عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

شنبه

۳۰ آبان ۱۴۰۵ • ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • 21November 2026

۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و چهل و دو

www.asrghanoonir

دروغ ۹۹.۹۹ درصدی

ادعای مضحک ترامپ: از اول جنگ تا الان ۹۹.۹۹ درصد از موشک‌ها و پهپادهای ایران سرنگون شده‌اند

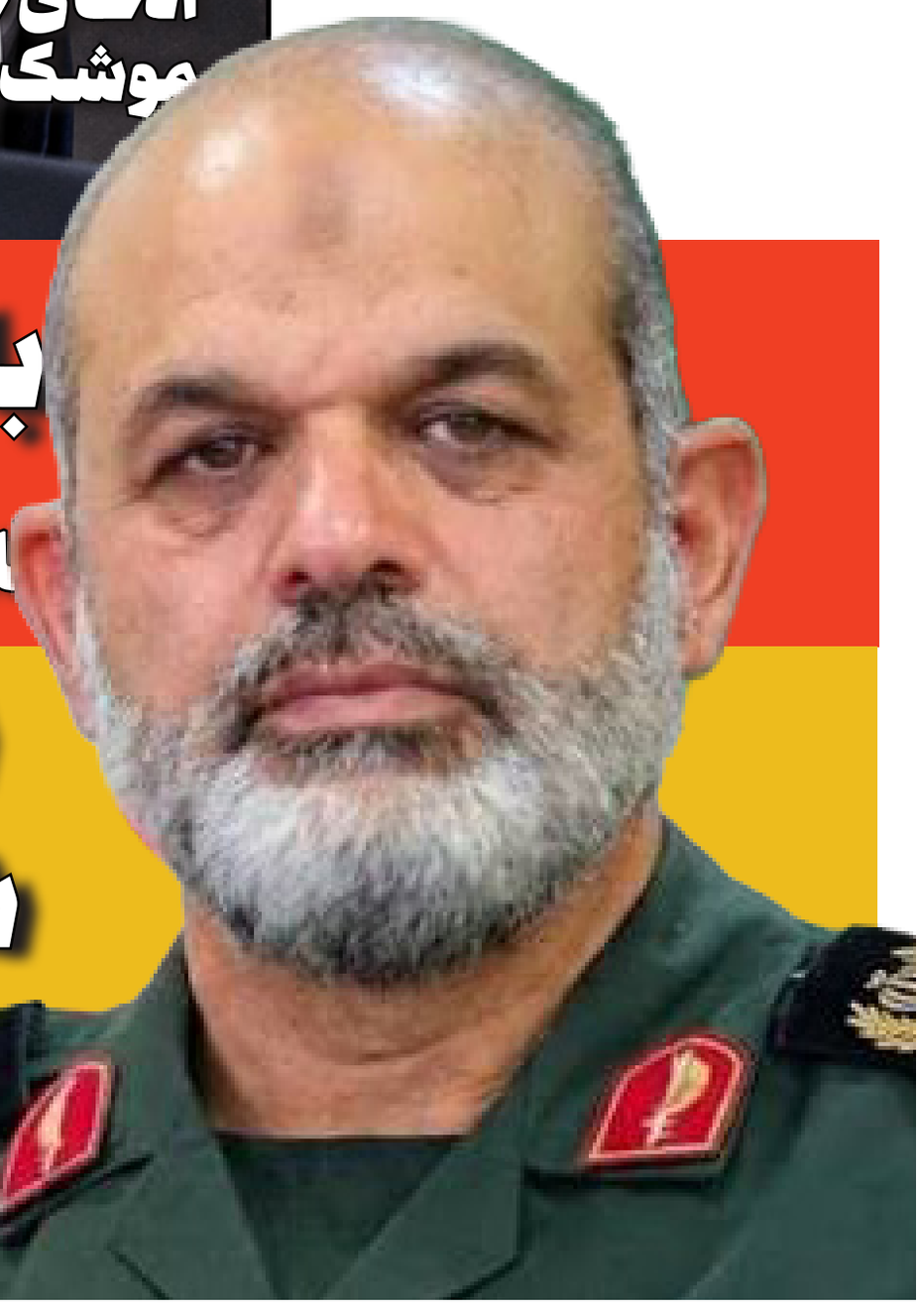
بانکداری ایران شبهه ربا ندارد؟

قانون خوب بانکداری بدون ربا ناقص اجرا شد

۵

دشمن راهی جز اعتراف به شکست و خروج از منطقه ندارد

۲



ادعای آمریکا درباره دخالت صیادان ایرانی در

عملیات نظامی بی اساس است

۵

ناترازی محل خلق ثروت است



ویژه

محمد مخبر

مشاور و دستیار رهبری انقلاب

محمد مخبر مشاور و دستیار رهبری انقلاب با اشاره به اینکه یکی از مشکلات اصلی کشور «قطع حلقه میانی» است، اظهار داشت: «حلقه‌های میانی مدیریتی آن‌گونه که باید شکل نگرفته‌اند و همین مسئله موجب می‌شود راهبردهای نظام و رهبری در مرحله اجرا به مردم نرسد. باید مسائل و مشکلات را احصا کنند، راهبردها را دریافت و به مردم منتقل کنند و با پشتیبانی جمعی به نتیجه رسانند.»

وی با بیان اینکه نخبگان باید الگوی انسجام و همکاری ارائه دهند، پیشنهاد کرد: «از جمع حاضر، دبیرخانه‌ای تشکیل شود و کارگروه‌های تخصصی در صنایع و خدمات مختلف شکل گیرد تا میان نظام، مردم و بخش خصوصی ارتباط مؤثر برقرار شود. در این مسیر، دولت می‌تواند نقش تسهیل‌گر را ایفا کند و جلسات مستمر برای پیگیری کارها برگزار شود.»

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به تجربه جنگ ۱۲روزه گفت: «پیش از این جنگ، دشمن ۶۰۰ شرکت دانش‌بنیان را سازماندهی کرد و بخش زیادی از آسیب‌های واردشده، محصول برنامه‌ریزی همین شرکت‌ها بود. در مقابل، پس از آغاز جنگ، صدها نیروی جوان نخبه فعال شدند و کارهایی انجام دادند.»

وی افزود: «این توان جوانان فناور ما بود که به دستور رهبر شهید انقلاب بلافاصله پس از تعرض به کشور، دشمن طعم جنگ منطقه‌ای را چشید و با اتکا به دانش و توان همین جوانان فناور، به دستور مقام معظم رهبری دشمن در صورت تعرض مجدد استراتژی تهاجمی کشور را نیز لمس خواهد کرد.

مشاور و دستیار مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه موفقیت‌های کشور در بحران‌ها همواره با اتکا به مردم به دست آمده است، تصریح کرد: «انقلاب اسلامی با حضور مردم پیروز شد و در بحران‌های مختلف نیز مسائل با نیروی مردمی و بسیج حل شده است.

وی با تأکید بر ضرورت انتقال حکمرانی اقتصادی به مردم گفت: «تا زمانی که این انتقال انجام نشود، مشکلات اقتصادی حل نخواهد شد. سیاست‌های اصل ۴۴ و اقتصاد مقاومتی نیز برای همین شیفت اقتصادی از دولت به مردم مطرح شده است. امروز فناوری به‌صورت عمیق حکمرانی را موثر کرده و مفهوم دولت پلتفرمی و دولت الکترونیک نیز همین است.»

وی خاطرنشان کرد: «اگر ما پلتفرم‌های داخلی را گسترش ندهیم، فرصت‌های زیادی از دست خواهد رفت. در برخی کشورها تا ۷۰ درصد اقتصاد دیجیتال شده است و این عرصه، صحنه اصلی فعالیت نخبگان است. دولت در این مدل، به استانداردساز و تنظیم‌گر تبدیل می‌شود و تصدی‌گری از آن گرفته می‌شود.»

مخبر ناترازی‌های آب، برق، بنزین، گاز، بودجه و بانک‌ها را «محل خلق ثروت» دانست و گفت: «این ناترازی‌ها جایی است که نخبگان می‌توانند هم مشکل کشور را رفع کنند و هم ثروت ایجاد کنند. بزرگ‌ترین امتیاز کشور، نیروی جوان و نخبه است و اگر مسئله، نخبه و سرمایه‌گذار به هم وصل شوند، همه مسائل حل می‌شود.»

مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در پایان با تأکید بر لزوم شکل‌گیری کارگروه‌ها و ثبت شرکت‌های تخصصی توسط نخبگان گفت: «نباید از ورود به عرصه‌های اقتصادی و فناورانه ترسید؛ باید برنامه‌ریزی کرد و در بازه‌ای کوتاه، پلتفرم‌های روزآمد را ایجاد و توسعه داد.» وی آمادگی خود را برای برگزاری جلسات مستمر و پیگیری اجرای این پیشنهادها اعلام کرد.



دشمن راهی جز اعتراف به شکست ندارد

سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در جمع دانشجویان بسیجی کنگره پیشگامان رهایی، با اشاره به شرایط کنونی کشور و تقابل جمهوری اسلامی ایران با استکبار جهانی اظهار کرد: میدان جنگ حق و باطل امروز بیش از هر زمان دیگری در مرأی و منظر جهانیان قرار دارد. این کلام شریف «الْجِهَادُ بَابٌ مِنْ أَبْوابِ الجَنَّةِ فَتَحَهُ اللهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ» امروز بیش از همیشه در جامعه ما، در میان ملت ما و در برابر دیدگان جهانیان قرار گرفته است.

وی افزود: ما در یک جهاد بزرگ و مقدس قرار داریم؛ جهادی میان حق و باطل و در یک ستیز نهایی با استکبار جهانی که این قله، ان‌شاءالله همان‌طور که خداوند وعده فرموده و امام شهید ما نوید آن را داده‌اند، به دست جهادگران انقلاب اسلامی فتح خواهد شد و پس از آن، روزگاری بسیار درخشان و قله‌هایی بسیار بلند در انتظار ماست.

فرمانده کل سپاه با اشاره به بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی تصریح کرد: امام عزیز ما فرمودند که نزدیک قله هستیم و خسته نشوید؛ به ما فرمودند خرمشهرها در پیش است و باید برای نقش‌آفرینی در پیچ تاریخی آماده باشیم. اینها همه نویدها و بشارت‌هایی بود که امام شهید ما به ما دادند و امروز با دقت و صراحت، تحقق آنها را مشاهده‌می‌کنیم.

یک سوی میدان، ناامیدی و سرگردانی دشمن و سوی دیگر، نشاط و انسجام ملت ایرانوحیدی با تشریح وضعیت کنونی جبهه مقابل جمهوری اسلامی ایران گفت: وضعیت امروز ما چگونه است؟ ما بخش بزرگی از یک نبرد را پشت سر گذاشته‌ایم و بخش دیگری از آن را در پیش داریم. آنچه تاکنون پشت سر گذاشته‌ایم، نتیجه‌اش شکل‌گیری یک اردوگاه شکست‌خورده دشمن، ناامیدی و یأس در اردوگاه مقابل و به‌هم‌ریختگی و سرگردانی آنها بوده است.

وی ادامه داد: نشانه‌های این ناامیدی را مشاهده می‌کنید؛ گزارش‌هایی از سربازان و نظامیان آمریکایی مرتباً این روزها به گوش می‌رسد. در یک طرف میدان، شور، نشاط، حماسه، زندگی، شکوفایی، آمادگی برای حرکت قوی‌تر به جلو، انسجام، یکپارچگی، قلب‌های به‌وجدآمده، فکرهای متعالی و اراده‌های مصمم قرار دارد و این یک طرف جبهه است؛ این همان چیزی است که تا امروز اتفاق افتاده است.

دشمن با تصور پایان کار جمهوری اسلامی در ۷۲ ساعت وارد میدان شد

فرمانده کل سپاه با اشاره به تصورات اولیه دشمن از جنگ با جمهوری اسلامی ایران بیان کرد: دشمن بسیار مغرورانه و متکبرانه و با اوهام، توهمات و تلقیاتی وارد صحنه شد که گمان می‌کرد می‌تواند ظرف چند روز مسئله را حل کند. گفته بود به بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس که وقتی کار را شروع کنیم، ظرف ۷۲ ساعت ارزیابی خود را به شما ارائه می‌دهیم؛ بعد از ۷۲ ساعت گفته بودند دو هفته بیشتر طول نمی‌کشد و انتظار اولیه آنها ۷۲ ساعت بود، اما پس از ۷۳ ساعت ارزیابی‌شان این بود که ظرف دو هفته کار جمهوری اسلامی تمام خواهد شد.

وی افزود: امروز آن مجری تلویزیونی، خبرنگار آمریکایی یا اندیشمند می‌گوید آنها می‌خواستند جمهوری اسلامی را تغییر دهند، اما خودشان تغییر کردند و خودشان ضربه خوردند.

وحیدی با اشاره به حجم تجهیزات و مهمات به‌کارگرفته‌شده از سوی دشمن علیه ایران گفت: بله، امکانات بسیار زیادی آوردند و امکانات فراوانی داشتند. خودشان نیز ادعای بسیار زیادی درباره توانمندی‌هایشان دارند و واقعاً هم این حجم مهماتی که در ایران استفاده کردند، کم‌نظیر است. مقداری از مهماتی را که در جنگ‌های دیگر طی سالیان استفاده می‌کردند، در جمهوری اسلامی ظرف یکی دو ماه به کار گرفتند و حتی کمتر از آن، در عرض ۴۰ روز استفاده کردند.

فرمانده کل سپاه تأکید کرد: آنها گمان نمی‌کردند این همه مهمات، هواپیما و ناو هواپیمابر به میدان بیاورند، اما این تجهیزات کجا رفت و به کجا رسید؟ خداوند اراده فرموده است که حق بر جای خود بنشیند و باطل به زباله‌دان تاریخ برود؛ همان‌طور که فرمود: «لِيُحِقَّ الحَقَّ وَيُبْطِلَ الباطِلَ».

آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مقابله با ایران از دیگران درخواست کمک کردند

وی با بیان اینکه شکست دشمن تنها به میدان نظامی محدود نبوده است، اظهار کرد: شکست را در طرف دشمن کاملاً مشاهده می‌کنیم و خود آنها نیز بارها به این مسئله اعتراف کرده‌اند. این فقط یک شکست در میدان جنگ نیست، بلکه شکست گفتمانی و سیاسی نیز هست.

طائب: باید فرمان «هر ایرانی یک بسیجی» را محقق کنیم



حجت الاسلام حسین طائب رئیس سازمان بسیج عصر امروز در نشست صمیمی با فرماندهان ۱۶۰ هزار رده مقاومت بسیج در سراسر کشور عنوان کرد: امروز جلسه افتتاح تعامل با همه عزیزان بسیجی است و انشالله ما باید با استفاده از فناوری‌های جدید بتوانیم تعامل فعال با تک تک مسئولین و فرماندهان داشتیم داشته باشیم و این شبکه مردمی به صورت یکپارچه و هم افزا در انجام ماموریت‌هایش تلاش کند.

وی افزود: آن چیزی که از ما انتظار می‌رود تحقق حکمرانی مردمی است؛ در این راستا قاعد شهید به ما ۵ ماموریت ابلاغ فرمود. مقام معظم رهبری انتظاراتی را از بسیج فرموده‌اند امام رضوان الله تعالی علیه این شجره طیبه را معماری کرد، قائد شهید ما این ظرفیت را فراگیر کرد و امروز مقام معظم رهبری از ما می‌خواد هر ایرانی یک بسیجی تحقق پیدا کند.

حجت الاسلام طائب ادامه داد: باید حکمرانی محلی مسجد محور شکل بگیرد تا اقشار مختلف بتوانند در عرصه‌های مختلف ازجمله دفاع مقدس، تامین امنیت برای مردم، مقابله با تهدیدات نرم اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و عمق بخشی داخلی و صدور فرهنگ بسیجی برای همه مردم جهان نقشی ایفا کنند. ما در دوره جدید با تعامل با شما عزیزان باید این خواسته مقام معظم رهبری را محقق کنیم.

رئیس سازمان بسیج عنوان کرد: آمریکایی‌ها تمام توان خود را در منطقه به کار گرفتند؛ ۲۸۴ فروند جنگنده آوردند، ناوهایشان را آوردند، انواع موشک‌ها و بمب‌ها را امتحان کردند و ذخایرشان را تخلیه کردند. آنها به جایی که رسیدند که فهمیدند این ملت تسلیم‌شدنی نیست؛ مردم هم در عرصه دفاعی حضور دارند و هم در خیابان‌ها حضور دارند و اینجا آمریکا مجبور شد تسلیم شود؛ برای همین از فاز جنگ مستقیم و فراگیر خارج شد و به جنگ اقتصادی و ناامن‌سازی رفت.

وی افزود: دشمن آمد تا جمهوری اسلامی را محاصره کند. رقابت از رقابت دفاعی به رقابت تاب‌آوری رسید. همه برآورد آمریکایی‌ها این بود که با محاصره کردن ایران، تاب‌آوری کاهش پیدا می‌کند و وارد ناامن‌سازی ایران می‌شود.

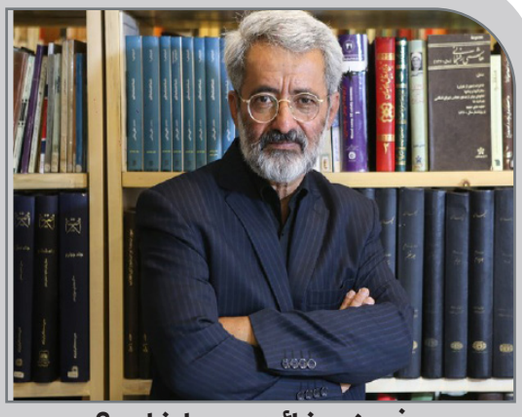
وی با اشاره به فرمایش امام خمینی (ره) مبنی بر «راه حل مسئله ایران، ایران قوی» افزود: مقام معظم رهبری فرمودند ایران هرچه قوی تر. ما قدرت مان را در عرصه دفاعی به دنیا اثبات کردیم و یک مرکز استراتژیک معتبر اعلام کرده بود که اگر یک جنگ تمام عیار بین آمریکا و ایران شکل بگیرد، ایران می‌تواند پایدار بماند؛ در دنیا جنگ‌هایی دنبال می‌شد که یک طرف آن ابرقدرت‌ها بودند و طرف دیگر به گفته آن‌ها جهان سومی ها؛ یک ابرقدرت چند سال است با یک کشور جهان سومی می‌جنگد، اما نتوانسته جنگ را تمام کند و مرتب اجلاس‌های دوجانبه و سه جانبه برگزار می‌کنند تا جنگ را تمام کنند به عبارت دیگر ابرقدرت دفاعی که بودجه نظامی اش در جنگ به بالاتر از یک تریلیون دلار رسید و در کنار او یک ماشین جنگی تمام عیار آمد، اما جنگ به ۴۰ روز هم نرسید و پرچم را بلند کردند؛ این قدرت ما، ایران قوی را به جهانیان اثبات کرد.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین در بخش دیگری از سخنان خود به راه‌های قوی‌تر شدن ایران اشاره کرد و گفت: امام شهید ما همه تلاش خود را کردند تا نخبگان و مردم را هدایت کنند که ایران علاوه بر قدرت دفاعی، در عرصه‌های علمی، فرهنگی و ایده پردازی نیز قوی شود؛ از تبدیل ایده به برنامه علمی و تولید علمی، تا تبدیل تولید علمی به موضوع صنعتی و تبدیل آن به موضوع تجاری و خلق ثروت، تا جایی که در برخی عرصه‌های علمی جز دو کشور اول جهان و در برخی دیگر جز پنج کشور اول شدیم؛ امروز برای قوی شدن باید این محاصره‌ها را بشکنیم و تولید ملی را با ارزش افزوده همراه کنیم، زیرا در کشورمان سه میلیون و چهارصد هزار بشکه تولید نفت داریم و ظرفیت صادرات ما یک میلیون و ۸۰۰ هزار تا دو میلیون بشکه در روز است؛ حال چرا باید نفت خام صادر کنیم؟

اگر توان نخبگانی در پایگاه‌ها این‌ها را به فرآورده تبدیل کند، به جای نفت خام فرآورده صادر می‌کنیم.

حجت‌الاسلام طائب با تاکید بر حل مسئله محور شدن بسیج بیان داشت: اگر بتوانیم در عرصه‌های علمی نیازهای کشور را حل کنیم و مسئله محور شویم و مسائل کشور را احساس کنیم، همان طور که در عرصه دفاعی و امنیتی مردم در سازمان‌ها سازماندهی می‌شوند، در رده‌های دانش بنیان نیز سازماندهی می‌شوند؛ پس هسته مقاومت امروز، از این به بعد هسته دانش بنیان یک پایگاه بسیجی خواهد بود و گروه‌های سازندگی به عنوان یک ساختار بسیجی پیدا می‌شود؛ لذا عناوین را باید متناسب با مسائل کشور و متناسب با حل مسئله آرایش جدید دهیم.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: برای قوی‌تر شدن باید عرصه‌ها را ارتقا دهیم. در عرصه دانش آموزی علاوه بر کار توده‌ای و ارتقای سطح علمی و پرورشی و کمک به آموزش و پرورش، باید مسئولیت بگیریم و استعدادیابی قله‌های علمی را از دوران دبستان و دبیرستان شروع کنیم. در عرصه دانشجویی باید حل مسائل در دانشگاه‌ها را با کمک اساتید به سمت حل مسئله ببریم و در حوزه بسیج صنعت و معدن نیز شبکه توزیع را اصلاح کنیم، چرا که ۴۰ تا ۵۰ درصد هزینه یک جنس، تا رسیدن به دست مردم در فرایند توزیع اتفاق می‌افتد.



فروغی خائن بود یا خادم؟

در پی انتشار مقاله‌ای از محمد قوچانی در شماره پیشین نشریه آگاهی‌نو در تمجید از محمدعلی فروغی (از نخست‌وزیران و حامیان رضاشاه و محمدرضا شاه پهلوی)، عباس سلیمی نمین محقق و پژوهشگر و مدیر مرکز مطالعات و تدوین تاریخ ایران، پاسخی به وی ارسال کرده که در شماره جدید این نشریه به چاپ رسیده است.

خلاصه محورهای مهم پاسخ سلیمی‌نمین به قوچانی و پس از آن، متن کامل مقاله سلیمی‌نمین به شرح ذیل است:

1- رد روایت «فروغی، منجی ایران»

آقای سلیمی‌نمین معتقد است فروغی نه پایگاه اجتماعی مؤثری داشت، نه از قدرت نظامی برخوردار بود و نه مردم را به مقاومت در برابر اشغالگران دعوت کرد. بنابراین، نجات ایران از تجزیه را نمی‌توان به تدبیر او نسبت داد؛ بلکه بالعکس!

2- روایت مستند انفعال و نقش مخرب ضدملی فروغی در برابر اشغالگران

در یادداشت با استناد به اظهارات فروغی، از جمله عبارت مشهور «می‌آیند و می‌روند، حوائجی دارند و با ما کاری ندارند»، اشاره می‌شود که وی به‌جای محکوم کردن اشغال، مردم را به پذیرش وضعیت موجود سوق داد.

3- مسئولیت مشترک رضاشاه و فروغی در ترک مخاصمه (تسلیم)

یکی از مهم‌ترین محورهای یادداشت، رد ادعای تصمیم خودسرانه فرماندهان ارتش برای توقف مقاومت است. آقای سلیمی‌نمین با استناد به خاطرات محسن فروغی و محمد سجادی تأکید می‌کند که تصمیم ترک مخاصمه با دستور رضاشاه و همراهی دولت فروغی اتخاذ شد.

4- انحلال ارتش و تبرئه فرماندهان

آقای سلیمی‌نمین برخورد رضاشاه با فرماندهانی مانند نخجوان و ریاضی را اقدامی نمایشی برای انتقال مسئولیت فروپاشی ارتش به نظامیان می‌داند و با استناد به گزارش دادرسی ارتش، بر بی‌تقصیری آنان تأکید می‌کند.

5- تحمیل هزینه‌های اشغال به مردم ایران

در یادداشت آقای سلیمی‌نمین، اعطای امتیازات گسترده اقتصادی به متفقین توسط محمدعلی فروغی اثبات می‌شود؛ از جمله تأمین منابع ریالی اشغالگران، تغییر نرخ ارز، افزایش انتشار اسکناس و اتخاذ سیاست‌هایی که به تورم، گرانی و تشدید فشار معیشتی انجامید.

6- رد نقش فروغی در جلوگیری از تجزیه ایران

سلیمی‌نمین استدلال می‌کند بریتانیا به دلیل ضرورت حفظ انحصار منافع نفتی خود اساساً مخالف تجزیه ایران بود؛ بنابراین حفظ تمامیت ارضی کشور را نباید نتیجه مذاکرات فروغی قلمداد کرد.

7- انتقال سلطنت به محمدرضاشاه با اراده بریتانیا

بر اساس تحلیل یادداشت، بازگشت فروغی به نخست‌وزیری و انتقال قدرت از رضاشاه به فرزندش در چارچوب راهبرد لندن انجام گرفت، نه برخلاف خواست انگلیسی‌ها. نویسنده برای این استدلال به آثار عباس میلانی و هوشنگ نهاوندی استناد می‌کند.

8- تعارض مشروطه‌خواهی با حمایت از استبداد پهلوی

نویسنده می‌پرسد چگونه می‌توان فروغی را مشروطه‌خواه دانست، درحالی‌که در تأسیس و تثبیت سلطنت اقتدارگرای پهلوی مشارکت داشت و مخالفت علنی مؤثری با استبداد رضاشاه نکرد؟

9- نقد عملکرد شخصی و سیاسی فروغی

یادداشت با استناد به انتقادات مصدق و قوام، پذیرش وزارت جنگ بدون اختیار واقعی، رفتار فروغی در قبال زندانیان سیاسی و با اشاره به وابستگی تشکیلاتی او به انگلیس، صلاحیت وی برای عنوان «سیاستمدار ملی» را زیر سؤال می‌برد.

10- پیامدهای وابستگی پهلوی و نقد تاریخ‌نگاری قوچانی

آقای سلیمی نمین با اشاره به نفوذ اسرائیل در مطبوعات دوره پهلوی، این وضعیت را پیامد استمرار وابستگی سیاسی می‌داند و در پایان، از قوچانی می‌خواهد به‌جای «منجی‌تراشی»، عملکرد فروغی را با معیار استقلال و منافع ملی ارزیابی کند.

باسلام، محتوای جریده شماره 18 تحت مدیریت شما، به‌ویژه سرمقاله‌تان با اتکا به نقل‌های یک‌سویه و بعضاً بیگانه با تاریخ و قواعد آن باعث تعجب است! چگونه می‌توانید صرفاً با استناد به اظهارات محمدعلی فروغی و فرزندانش چنین قضاوت کنید که وی «منجی وطن» بوده است؟! به‌فرض که هیچ یک از مخاطبان شما به دنبال تحقیق در مورد این شخصیت از منابع متنوع نباشند، اما قدر مسلم، این سؤال در اذهان آنان شکل خواهد گرفت که چنین فردی با چه پشتوانه‌ای در برابر اراده بیگانگان و اشغالگران کشور ایستاده و وطن را از تهدیدات جدی نجات داده است. فرض کنید در اشغالگری شهریور 1320، بیگانه تجزیه و نابودی ایران را پی می‌گرفت. مگر جز این است که این متجاوزان دارای قدرت نظامی، سیاسی، تشکیلاتی و... بودند؛ بنابراین در شرایط اشغال با چه پشتوانه‌ای اراده دشمن در هم شکسته می‌شود؟! آیا این به اصطلاح منجی در میان ملت دارای پایگاه تعیین‌کننده‌ای بوده و با استفاده از چنین موقعیتی مقاومت در برابر اهداف شوم را ترویج کرده است؟ به عبارت دیگر، آیا از وی مواضعی سراغ داریم که مردم را به ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های مهاجمان به ایران دعوت کرده و به این ترتیب با اتکا به آگاهی ملت، بیگانه را برای رعایت حقوق ایرانیان تحت فشار قرار داده باشد؟ فرض کنید انگلیس به عنوان قدرت مسلط بر ایران راهبرد تجزیه را به منافع خود نزدیک می‌دید. آیا امثال فروغی به مردم در این زمینه اعلام خطر می‌کردند؟ همچنین رابطه وی با نیروی مسلح چگونه بوده است؟ آیا در حالی که رضاخان از بدو ورود مهاجمان به کشور بدون توجه به ارتش قصد فرار داشت وی بر خلاف این رویه به حفظ انسجام آن همت گماشت تا کشور مدافعانی غیور داشته باشد؟ پاسخ این پرسش‌ها و دهها پرسش مانند آن، منفی است.با کمال تأسف باید گفت از فروغی جمله یا عبارتی دال بر منکوب کردن تعدیات فاجعه‌آمیز اشغالگران به مال، ناموس، استقلال و... این ملک و ملت نمی‌توان یافت؛ در حالی که دعوت ملت به پذیرش خفت و خواری- مستقیم و غیر مستقیم- به‌وفور در تاریخ از وی به ثبت رسیده

نکات مهم یک مقام ارشد امنیتی درباره تحولات اخیر منطقه



یک مقام ارشد امنیتی درباره تحولات اخیر منطقه و ارزیابی محافل غربی از وضعیت تقابل ایران و آمریکا اظهار داشت: آنچه امروز در تحلیل محافل غربی مشاهده می‌شود، اعتراف به تغییر موازنه قدرت و ناکامی سیاست‌های نظامی و سیاسی آمریکا در قبال ایران است. آنها اذعان دارند که ایران پس از جنگ اخیر، با اتّکا به توان دفاعی خود در موقعیتی قرار گرفته که نه از تهدیدات ترامپ هراسی دارد و نه حاضر است از حقوق مردم و شروط منطقی خود در مذاکرات عقب‌نشینی کند.وی افزود: گزارش‌ها درباره عصبانیت ترامپ که از طرق مختلف ایران از آن اطلاع دارد، نتیجه تبعیت او از نتانیاهو است و اگر همانند کاری که ونس انجام داد، کاهش نفوذ نتانیاهو بر تصمیمات ترامپ نتیجه ندهد، آمریکا بیشتر از دیروز گرفتار خواهد شد.این مقام ارشد امنیتی ادامه داد: به نظر می‌رسد ترامپ در شرایط کنونی، پس از شکست در جنگ و ناکامی در فشار دیپلماتیک، همچنان به ابزار فشار اقتصادی متوسل شده تا بتواند بر اراده ملت ایران اثر بگذارد.وی با اشاره به طرح شکست‌خورده مسلح کردن گروه‌های اپوزوسیون ایران‌ستیز توسط آمریکا تصریح کرد: اکثر تحلیلگران غربی به غیرقابل اتّکا بودن این گروه‌ها اذعان دارند و ایران طرح و ابزار پاسخ کوبنده به این سناریو را به خوبی در اختیار دارد.وی در پایان تأکید کرد: اختلافات داخلی آمریکا و تلاش احتمالی دموکرات‌ها برای محدود کردن اختیارات جنگی رئیس‌جمهور، موضوعی مربوط به ساختار سیاسی آن کشور است و آنچه برای ایران اهمیت دارد، رفتار عملی آمریکاست. ایران خواهان جنگ نبوده، اما به وضوح نشان داده که نه تنها از جنگ هراسی ندارد بلکه توان توسعه آن را در اختیار دارد.

از مناسک تا اعتماد اجتماعی



ارتحال آیت‌الله العظمی حسین وحید خراسانی، از مراجع برجسته و تأثیرگذار شیعه، تنها پایان حیات یکی از چهره‌های شناخته‌شده حوزه‌های علمیه نیست؛ این رخداد فرصتی برای تأمل در بخشی از تاریخ معاصر مرجعیت شیعه و بازخوانی میراث فقیهی است که بخش مهمی از عمر خود را به تحصیل، تدریس، تربیت علمی و پاسداشت معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام اختصاص داد. نام او در حافظه حوزویان، افزون بر جایگاه فقهی و اصولی، با تأکید بر صیانت از شعائر دینی و به‌ویژه احیای مجالس فاطمی پیوند خورده است؛ پیوندی که می‌توان آن را یکی از شاخصه‌های برجسته کارنامه علمی و اجتماعی او دانست.

آیت‌الله العظمی حسین وحید خراسانی بامداد سه‌شنبه بیست‌وششم آبان‌ماه 1405 در قم دار فانی را وداع گفت. او که فروردین‌ماه سال 1300 در نیشابور دیده به جهان گشوده بود، بیش از یک قرن از زندگی خود را در مسیر آموختن، آموزش و پاسداری از معارف دینی سپری کرد. طول عمر علمی او با دوره‌هایی از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان اسلام هم‌زمان بود؛ تحولاتی که حوزه‌های علمیه نیز از آثار آن برکنار نماندند و در برابر مسائل تازه، ناگزیر از بازاندیشی در شیوه‌های آموزش، ارتباط با جامعه و پاسخ‌گویی به نیازهای دینی شدند.

با این همه، برای شناخت جایگاه آیت‌الله وحید خراسانی نباید صرفاً به طول عمر یا عنوان مرجعیت او بسنده کرد. اهمیت یک مرجع دینی را باید در مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها جست‌وجو کرد: مبانی علمی و روش استنباط، شیوه تربیت شاگردان، نوع مواجهه با سنت‌های حوزوی، نسبت او با جامعه مؤمنان و نقشی که در حفظ و انتقال سرمایه‌های اعتقادی ایفا می‌کند. از این منظر، بازخوانی کارنامه او امکان می‌دهد نسبت میان مرجعیت علمی، هویت مذهبی و شعائر جمعی شیعه با دقت بیشتری بررسی شود.

احیای شعائر فاطمی؛ فراتر از یک آیین سوگواری

یکی از برجسته‌ترین وجوه شناخته‌شده در حیات اجتماعی آیت‌الله وحید خراسانی، اهتمام ویژه به برگزاری باشکوه مراسم عزاداری شهادت حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها بود. تأکید او بر زنده نگه‌داشتن یاد و مصائب حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، در عمل به یکی از محورهای مهم ارتباط مرجعیت او با هیأت‌ها، مجالس مذهبی و مجموعه‌های فرهنگی تبدیل شد. این اهتمام فقط توصیه‌ای مناسبتی نبود؛ بلکه در چارچوب نگرشی گسترده‌تر قرار می‌گرفت که شعائر اهل‌بیت را بخشی از حافظه تاریخی و هویت اعتقادی جامعه شیعه می‌دانست.در سنت شیعی، سوگواری برای اهل‌بیت علیهم‌السلام صرفاً کنشی عاطفی یا آیینی فردی نیست. این مجالس، در کنار کارکرد عبادی و معنوی، بستری برای انتقال روایت تاریخی، بازگویی معارف، تقویت پیوندهای اجتماعی و بازتولید حافظه جمعی جامعه دینی به شمار می‌روند. نسل‌های مختلف در چنین مجالسی با رخدادهای تاریخ تشیع، جایگاه اهل‌بیت و مفاهیمی همچون وفاداری، عدالت‌خواهی، صبر و مسئولیت دینی آشنا می‌شوند. از این رو، تأکید بر اقامه شعائر فاطمی را می‌توان در پیوند با دغدغه حفظ هویت تاریخی تشیع فهم کرد.

در دوره‌هایی که درباره جایگاه عزاداری فاطمی، چگونگی برگزاری آن یا میزان توجه عمومی به این مناسبت بحث‌هایی شکل می‌گرفت، مرجعیت آیت‌الله وحید خراسانی برای بخشی از فعالان مذهبی پشتوانه‌ای معنوی و اعتباری محسوب می‌شد. هیأت‌ها و مجموعه‌های دینی، تأکید او بر پاسداشت این مناسبت را نشانه‌ای از اهمیت آن در منظومه اعتقادی شیعه تلقی می‌کردند. این حمایت، به‌ویژه در استمرار مجالس و تقویت جایگاه عمومی فاطمیه، اثرگذار بود؛ هرچند بخش مهمی از این تأثیر در شبکه‌های سنتی و ارتباطات غیررسانه‌ای جامعه دینی جریان داشت و لزوماً در قالب خبرهای روزانه بازتاب نمی‌یافت.

نکته مهم در این رویکرد، همراهی تأکید بر شکوه و گستردگی مراسم با ضرورت رعایت موازین شرعی و پرهیز از بدعت است. احیای شعائر هنگامی می‌تواند به تقویت دین‌داری بینجامد که در چهارچوب آموزه‌های معتبر دینی قرار گیرد و از آسیب‌هایی که ممکن است اصل پیام را تحت‌الشعاع قرار دهد، دور بماند. در چنین نگاهی، شور عاطفی و انضباط دینی در برابر یکدیگر قرار نمی‌گیرند؛ بلکه باید در کنار هم معنا پیدا کنند. بزرگداشت اهل‌بیت، هم به معرفت و شناخت نیاز دارد و هم به محبت و اظهار ارادت؛ و پایداری آن نیز به رعایت معیارهای دینی وابسته است.از همین زاویه، میراث فاطمی آیت‌الله وحید خراسانی را نمی‌توان به تعداد مجالس یا میزان حضور ظاهری مردم فروکاست. مسئله اصلی، استمرار یک سنت مذهبی و انتقال معنای آن به نسل‌های بعدی است. اگر آیین‌های سوگواری از محتوای معرفتی و اخلاقی تهی شوند، ممکن است به مناسکی تکراری تبدیل شوند؛ همان‌گونه که اگر صرفاً در سطح بحث‌های نظری باقی بمانند و از عاطفه و مشارکت اجتماعی فاصله بگیرند، بخشی از ظرفیت تربیتی خود را از دست می‌دهند. توجه به هر دو سوی این نسبت، از نکاتی است که در بازخوانی نگاه او به شعائر فاطمی اهمیت دارد.آیت‌الله وحید خراسانی پیش از هر چیز فقیهی برخاسته از سنت علمی حوزه نجف و از شاگردان برجسته آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خویی بود. مکتب نجف در تاریخ معاصر فقه شیعه، به دقت در مبانی، استدلال اصولی، توجه به جزئیات ادله و پرهیز از شتاب‌زدگی در استنباط شناخته می‌شود. انتقال این شیوه علمی به قم، از طریق تدریس و تربیت شاگردان، یکی از وجوه مهم کارنامه حوزوی او به شمار می‌آید.

در سنت اجتهادی شیعه، فقه تنها مجموعه‌ای از پاسخ‌های آماده برای پرسش‌های شرعی نیست؛ دانشی روشمند است که اعتبار پاسخ‌های آن به کیفیت استدلال، شناخت منابع و رعایت ضوابط استنباط وابسته است. از این منظر، آموزش فقه بدون تقویت مبانی اصولی و بدون پرورش قدرت تحلیل در طلبه، نمی‌تواند به تربیت مجتهدانی برخوردار از استقلال علمی منجر شود. تأکید بر عمق مباحث، دقت در تقریر اقوال و بررسی منظم ادله، بخشی از همان میراث روشی است که در توصیف مکتب علمی آیت‌الله وحید خراسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. او در طول دهه‌ها تدریس، با محور قرار دادن مباحث فقه و اصول، در پرورش فضلا و انتقال شیوه استدلالی حوزه نجف نقش داشت. اهمیت این مسیر فقط در انتقال مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها خلاصه نمی‌شود؛ آنچه در آموزش حوزوی ماندگار می‌شود، بیش از هر چیز روش مواجهه با مسئله است. طلبه‌ای که با دقت در مقدمات استدلال، ارزیابی دلالت ادله و سنجش دیدگاه‌های مختلف تربیت شود، در مواجهه با مسائل تازه نیز امکان بیشتری برای داوری مستقل و مستند خواهد داشت. از این جهت، میراث آموزشی یک استاد برجسته می‌تواند پس از پایان حیات او نیز در شیوه درس‌خواندن و درس‌گفتن شاگردان استمرار یابد.در روزگاری که سرعت تحولات اجتماعی و گسترش رسانه‌ها، انتظار برای دریافت پاسخ‌های فوری را افزایش داده است، حفظ این انضباط علمی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. البته نیاز جامعه به پاسخ‌گویی روشن و به‌موقع انکارناپذیر است؛ اما پاسخ سریع، اگر بر مطالعه کافی و استدلال متقن استوار نباشد، ممکن است به ساده‌سازی مسائل پیچیده بینجامد. تأکید بر بنیان‌های علمی فقه و اصول یادآور این نکته است

جامعه را از دریچه‌ی اعتباریات علامه ببینیم!



نظریه «ادراکات اعتباری» علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از جمله مباحث مهم و در عین حال کمتر واکاوی‌شده در فلسفه اسلامی است؛ نظریه‌ای که با وجود گذشت چندین دهه از طرح آن، همچنان با تفسیرها و برداشت‌های متفاوتی درباره چیستی، مبانی و قلمرو آن مواجه است. برخی از شارحان، اعتباریات را عمدتاً در حوزه اخلاق و گزاره‌های ارزشی بررسی کرده‌اند و گروهی دیگر آن را ناظر به تبیین کنش انسان و مناسبات اجتماعی دانسته‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد ظرفیت‌های این نظریه فراتر از برداشت‌های محدود رایج است و می‌توان آن را در ارتباط با مسائلی همچون پیدایش زبان، شکل‌گیری حیات اجتماعی، مالکیت، قدرت سیاسی، اخلاق، تمدن و حتی مبانی علوم انسانی مورد بازخوانی قرار داد. دکتر قاسم پورحسن، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، در کتاب «اعتباریات؛ کنش‌ها و برساخت‌های اجتماعی» تلاش کرده است با بررسی پیشینه تاریخی و فلسفی اعتباریات و بازخوانی دیدگاه علامه طباطبایی، ابعاد مختلف این نظریه و پیامدهای معرفتی و اجتماعی آن را تبیین کند. این پژوهش در شش گفتار، موضوعاتی همچون پیشینه اعتباریات در اندیشه فارابی، ماهیت و قلمرو اعتباریات، کنش‌های اجتماعی، اخلاق و الزامات اخلاقی، نسبت اعتباریات با پیشرفت عقل و ظهور تمدن و سرانجام امکان و ماهیت علوم انسانی اسلامی را بررسی می‌کند. در گفت‌وگو با دکتر قاسم پورحسن، به بررسی مبانی نظریه اعتباریات، نسبت آن با اندیشه فارابی، جایگاه کنش انسان در شکل‌گیری مناسبات اجتماعی و ظرفیت‌های این نظریه برای بازاندیشی در علوم انسانی پرداخته‌ایم.

نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی از جمله مباحث مهم فلسفه اسلامی است که با وجود گذشت چندین دهه از طرح آن، همچنان تفسیرهای متفاوتی درباره چیستی و قلمرو آن وجود دارد. اساساً مسئله اصلی علامه در طرح این نظریه چه بود و این نظریه قرار بود به کدام خلأ معرفتی یا فلسفی پاسخ دهد؟

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی را باید در چارچوب تلاش ایشان برای تبیین نسبت میان اندیشه انسان و افعال او مورد توجه قرار داد. علامه در مقاله ششم کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، پس از بحث درباره ادراکات حقیقی در مقاله‌های سوم تا پنجم، به تبیین ادراکات اعتباری می‌پردازد. مسئله اصلی این است که همه ادراکات انسانی از یک سنخ نیستند و نمی‌توان تمام معارف و مفاهیم ذهنی را با یک معیار و روش واحد بررسی کرد.ادراکات حقیقی از حیث رابطه با واقعیت، واجد ویژگی‌هایی هستند که با ادراکات اعتباری تفاوت دارند. در مقابل، اعتباریات به نیازها، اغراض و فعالیت‌های عملی و اجتماعی انسان مربوط می‌شوند و در شکل‌گیری آنها اراده و اعتبار ذهنی آدمی نقش اساسی دارد. برای مثال، مفاهیمی مانند باید و نباید، خوب و بد، حق و تکلیف، مالکیت و ضرورت، صرفاً از سنخ ادراکات حقیقی نیستند، بلکه در ارتباط با نیازها و غایات انسان شکل می‌گیرند. بنابراین، علامه می‌کوشد نشان دهد که بخش مهمی از حیات فردی و اجتماعی انسان بدون این دسته از ادراکات قابل تبیین نیست. اهمیت نظریه اعتباریات در این است که علامه با طرح آن، امکان فهم بخشی از مناسبات انسان با جهان و جامعه را فراهم می‌کند؛ مناسباتی که بدون شناخت ساختار ادراکات اعتباری، تبیین دقیق آنها دشوار خواهد بود.

در پژوهش خود بر این نکته تأکید کرده‌اید که نظریه اعتباریات علامه را نباید صرفاً در امتداد حکمت عملی فیلسوفان مسلمان یا محدود به حوزه اخلاق و گزاره‌های ارزشی دانست. وجه تمایز نظریه علامه با مباحث پیشین فیلسوفان اسلامی درباره اعتباریات چیست؟

برای پاسخ به این پرسش باید میان دو معنای اعتباریات تمایز قائل شد. فیلسوفان اسلامی پیش از علامه طباطبایی، به‌ویژه از زمان فارابی و ابن‌سینا، درباره اعتباریات در معنای عام آن بحث کرده‌اند. این مباحث در حوزه‌هایی مانند معقولات ثانیه، هستی‌شناسی و نسبت میان وجود و اعتبار مطرح بوده است. فارابی در کتاب «الحروف» و برخی دیگر از آثار خود، به مباحثی درباره زبان، ظهور مدنیت، مناسبات انسان و جامعه و چگونگی تحول عقل بشری پرداخته است. این مباحث از حیث تبیین فرایند شکل‌گیری مفاهیم و مناسبات انسانی اهمیت فراوانی دارند.

با این حال، اعتباریات به معنای خاص و آنچه علامه در مقاله ششم اصول فلسفه مطرح می‌کند، واجد ویژگی‌های متمایزی است. علامه این دسته از ادراکات را در پیوند با نیازها، عواطف، اغراض و افعال انسان توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه انسان برای پاسخ‌گویی به نیازهای خود، معانی و مفاهیمی را اعتبار می‌کند. از این منظر، نظریه اعتباریات را باید ابتکاری معرفت‌شناختی دانست که با رویکردی روان‌شناختی و انسان‌شناختی تدوین شده است. این نظریه صرفاً درباره مفاهیم اخلاقی نیست، بلکه می‌تواند شالوده‌های حیات عملی و اجتماعی انسان را نیز توضیح دهد.

یکی از محورهای پژوهش شما، نسبت میان اندیشه فارابی و نظریه اعتباریات علامه طباطبایی است. به‌ویژه به مباحث فارابی در کتاب «الحروف» درباره زبان، پیدایش مدنیت، تطور عقل و مناسبات انسان و جامعه اشاره کرده‌اید. این پیوند فکری را چگونه می‌توان توضیح داد؟

فارابی از نخستین فیلسوفانی است که به شکلی جدی به نسبت میان انسان، عقل، زبان و جامعه پرداخته است. اهمیت ابتکار او در این است که ظهور مدنیت را با پیشرفت عقل انسانی و تحول مناسبات اجتماعی مرتبط می‌سازد. در کتاب «الحروف»، مباحثی درباره زبان، شکل‌گیری مفاهیم و نسبت آنها با ساختار جامعه مطرح می‌شود که از منظر اعتباریات اهمیت ویژه‌ای دارد.فارابی صرفاً به حکمت عملی به معنای محدود آن نمی‌پردازد، بلکه در پی تبیین چگونگی شکل‌گیری حیات مدنی و تحول عقل بشری نیز هست. به همین دلیل، می‌توان در اندیشه او زمینه‌هایی برای فهم ساحت‌های مختلف اعتباریات مشاهده کرد.به نظر می‌رسد علامه طباطبایی در طرح نظریه اعتباریات، از میراث فلسفی فارابی تأثیر پذیرفته است. البته این نسبت را باید با بررسی دقیق آثار و مبانی هر دو متفکر تحلیل کرد. آنچه اهمیت دارد، وجود یک پیوند نظری میان مباحث فارابی درباره انسان، جامعه و زبان و صورت‌بندی علامه از ادراکات اعتباری است.

در کتاب خود از اعتباریات پیشااجتماع و پساجتماع سخن گفته‌اید. این تقسیم‌بندی چه اهمیتی در فهم چگونگی شکل‌گیری زندگی اجتماعی دارد و اصولی مانند ضرورت، حسن و قبح، استخدام و اجتماع چه جایگاهی در آن پیدا می‌کنند؟

یکی از مباحث مهم در بررسی اعتباریات، توجه به مراحل و ساحت‌های مختلف شکل‌گیری آنهاست. در این پژوهش، اعتباریات را از حیث نسبتشان با اجتماع به دو دسته پیشااجتماع و پساجتماع تقسیم کرده‌ایم.



نه ستایش نه تکفیر؛ مولوی را باید فهمید

پس از هشت قرن از درگذشت مولوی، همچنان نزاع بر سر اندیشه‌های او پابرجاست. از یک‌سو کسانی او را یکسره گمراه، خارج از مدار شرع و پیرو مسلک‌های باطل می‌دانند؛ و دیگرسو شیفتگانی صف کشیده‌اند که شعرش را از وحی بالاتر می‌نشانند و از او شمایلی شبه‌مقدس و پیراسته از هر نقدی ساخته‌اند. گروهی به تبعیت از موج معنویت‌های مدرن، مولانا را در حد یک مربی مثبت‌اندیشی یا سخنران انگیزشی تقلیل داده و از او عارفی که نه کاری به دین دارد، نه به سلوک و نه به ریشه‌های تمدنی‌اش، تصویر کرده‌اند. اگر بخواهیم گردوغبار این حب و بغض‌ها را کنار بزنیم و متن‌های پیشینیان و محققان را بخوانیم، به چهره‌ای می‌رسیم که نه با تکفیر فقیهان می‌خواند و نه با ستایش‌های امروزین سازگار است. این یادداشت تلاشی است برای فهم مولوی از رابطه عمیقش با قرآن تا مشرب اهل‌بیت، از سنت شورانگیز خراسان تا راه‌حل‌هایی که برای گره‌های کور روحی انسان معاصر در آستین دارد.

1. قرآن در بطن اندیشه مولوی

مولانا پیش از آنکه غزل‌سرا یا صوفی نام‌آشنای تاریخ ادبیات باشد، فقیهی تمام‌عیار و مدرس بلندپایه علوم دینی در قونیه بود. او بر سر سفره بهاءولد، پدری عالم و پرنفوذ در بلخ، بزرگ شد؛ خاندانی اهل وعظ، مدرسه، فقه و سنت اسلامی خراسان. در بلخ و بعدها در سفر درازآهنگ به بغداد، مکه، دمشق و حلب، پای درس استادان تراز اول روزگارش زانو زد. مولوی کلام، حدیث، فقه حنفی و ادبیات عرب را به خوبی آموخته بود و وقتی در قونیه بر عریکه تدریس نشست، صدها شاگرد و مرید بر گرد او حلقه می‌زدند. بنابراین، دگرگونی مولوی پس از روبه‌رو شدن با شمس تبریزی به معنای خروج از عقلانیت یا شریعت نبود؛ پشت پا زدن به کتاب‌ها هم نبود. ماجرا فروریختن حصار «علم قال» در برابر «شور حال» بود. شمس تبریزی در حقیقت آن خاکستر انباشته بر جان مولانا را کنار زد تا آتشی که سال‌ها با خواندن و حفظ کردن پنهان مانده بود، زبانه بکشد. مولوی پس از دیدار با شمس از دین و شریعت بیرون نرفت؛ بلکه از صورت دین به مغز آن نقب زد. کسی که دست بر قضا منبری مفتی‌مآب داشت، حالا در کوچه و بازار می‌چرخید و دست‌افشان شعر می‌خواند. همین تناقض ظاهری بود که خشم سنتی‌ها را برانگیخت و تا امروز هم ادامه دارد.شاید مهم‌ترین و در عین حال کم‌توجه‌ترین ساحت در شناخت مولانا، پیوند ناگسستنی او با قرآن است. شیخ بهایی جمله‌ای دارد که قرن‌ها دست‌به‌دست گشته است:

من نمی‌گویم که آن عالی‌جناب هست پیغمبر، ولی دارد کتاب

مثنوی معنویِ مولوی هست قرآنی به لفظ پهلوی

این سخن هرچند در نگاه اول شاعرانه به نظر می‌رسد، اما اگر کسی با بافت مثنوی مانوس باشد، می‌فهمد که یک داوری دقیق محتوایی است.دکتر قدرت‌الله طاهری در تحلیل این نسبت نکته درخشانی را پیش می‌کشد: تفاوت مولانا با بسیاری از شاعران دیگر این است که شاعرانِ معمول از آیات قرآن بهره می‌برند تا کلام خود را بیارایند یا شاهدی برای سخنشان بتراشند؛ یعنی قرآن برای آنها ابزار تزیین است. اما برای مولوی، قرآن هوایی است که در آن نفس می‌کشد. ساختار مثنوی به‌شدت شبیه ساختار قرآن است. قرآن متنی خطی مانند یک کتاب داستان تاریخی نیست که آغازی مشخص، میانی پیوسته و پایانی معین داشته باشد. در هر صفحه‌ای از قرآن که وارد شوید، بلافاصله به مرکز مفاهیم توحیدی، اخلاقی و قصص انبیا پرتاب می‌شوید. داستان حضرت موسی(ع) بارها و بارها در سوره‌های مختلف با زاویه‌دیدهای گوناگون تکرار می‌شود تا نکته‌ای تازه روشن کند.

مثنوی نیز همین فرم را دارد. خواننده نیازی ندارد حتماً از بیت اول دفتر یکم شروع کند تا به پایان دفتر ششم برسد. در هر داستانی، از دل یک ماجرای روزمره یا تمثیلی عامیانه، ناگهان راهی به آیه یا مفهومی قرآنی گشوده می‌شود. مولانا خودش را نه «خالق» این معانی، بلکه واسطه و ناودانی می‌داند که آب رحمت از آن سرازیر است:

این همه آوازها از شَه بود / گرچه از حلقوم عبدالله بود

مولوی معتقد است سخن وقتی از دهان درمی‌آید، اگر اصیل باشد، گوینده‌اش دیگری است. بنابراین، اتهام بی‌اعتنایی به قرآن درباره کسی که تار و پود بیش از بیست‌وشش هزار بیت مثنوی‌اش با واژگان، اشارات، قصص و تفسیرهای عمیق باطنی آیات تنیده شده، بیشتر شبیه یک قضاوت نامنصفانه تاریخی است.



ادعای ترامپ در واکنش به گزارش سی‌بی‌اس

دونالد ترامپ در توییتی که در واکنش به پخش برنامه‌ای از یک شبکه آمریکایی — با مصاحبه خانواده‌های سربازان کشته‌شده آمریکایی — منتشر شد، مدعی شد ارتش آمریکا در طول جنگ چهل‌روزه، ۹۹.۹۹ درصد موشک‌ها و پهپادهای ایران را رهگیری کرده و تنها «یکدهم درصد» توانسته به اهداف اصابت کند. اما همین یکدهم درصد، طبق آمار رسمی پنتاگون، به کشته شدن حدود ۲۴ تا ۲۵ سرباز و زخمی شدن نزدیک به ۹۰۰ نظامی آمریکایی منجر شده است؛ عددی که خودِ ادعای ترامپ را به یک سند علیه او تبدیل می‌کند. واکنش به آنتن، نه به میدان این اظهارنظر ترامپ، یک تحلیل نظامی نبود؛ یک واکنش رسانه‌ای بود. او در پاسخ به برنامه‌ای که روایت خانواده‌های سربازان کشته‌شده آمریکایی را پخش کرده بود، به توییتر رفت تا با یک عدد بزرگ، آن روایت انسانی را خنثی کند. اما در این واکنش، ناخواسته معادله‌ای را افشا کرد که بیش از پیش به زیان واشینگتن است. ریاضیاتِ آمار، علیه خودِ آمار فرض کنیم ادعای ترامپ صد درصد درست باشد: ۹۹.۹۹ درصد رهگیری موفق، یعنی فقط یکدهم درصد (۰.۰۱ درصد) اصابت. حالا همان یکدهم درصد را در برابر آمار رسمی پنتاگون بگذارید— کشته‌شدگان آمریکایی: حدود ۲۴ تا ۲۵ سرباز— زخمی‌شدگان آمریکایی: نزدیک به ۹۰۰ نفر؛ یعنی تنها یکدهم درصد از موشک‌ها و پهپادهای ایران، به این حجم از تلفات انسانی در ارتش آمریکا انجامیده است. این عدد، هرچند در ظاهر کوچک به نظر می‌رسد، در محاسبه نظامی یک «فاجعه نسبی» است، چون هر صدم درصد اصابت، معادل دهها کشته و صدها زخمی است.پیام واقعی عدد ۹۹.۹۹ ترامپ عدد را برای نشان دادن قدرت پدافند آمریکا آورد؛ اما نتیجه معکوس گرفت. اگر یکدهم درصد این بلا را سر ارتش آمریکا آورده، محاسبه ساده است: با دو دهم درصد چه می‌شود؟ با یک درصد چه؟ با پنج درصد؟ همین منطق نشان می‌دهد که ادعای «رهگیری کامل»، نه یک پیروزی تبلیغاتی، بلکه یک «اعتراف محاسباتی» است؛ اعترافی به اینکه آستانه تحمل ارتش آمریکا در برابر حتی نرخ‌های بسیار پایین اصابت، بسیار شکننده است.

نکته‌ای که ترامپ نگفت* او در توییت خود توضیح نداد که مبنای این آمار چیست؛ آیا بر پایه شمارش پرتابه‌های شلیک‌شده است، یا بر پایه پرتابه‌های رهگیری‌شده در مناطق مسکونی و بی‌ارزش؟ در جنگ‌های نامتقارن، شمارش پرتابه‌های ارزان‌قیمت در برابر موشک‌های پدافندی گران‌قیمت، همیشه یک عدد بزرگ و فریبنده می‌سازد.

مضحکه‌ای به نام دستگاه قضایی بحرین



سرکوب و استبداد در دنیای مدرن همواره مبتنی بر برخی ابزارهای پیچیده‌ای است که بتواند مشروعیت حداقلی را برای حکام مستبد در پی داشته باشد. این موضوع گرچه در مورد حاکمیت‌های موروثی موجود در منطقه به علت عدم نیاز پادشاهان به تایید مردمی از اهمیت کمتری برخوردار است، اما برای حفظ وجهه ملی این کشورها حائز اهمیت است.یکی از این ابزارهای پیچیده استفاده از سیستم قضایی معیوب و توجیه حقوقی سرکوب معترضان است که با برداشت جهت‌دار از متون حقوقی یا عدم رعایت آزادی های فردی قید شده در این متون دنبال می‌شود.در این زمینه، رژیم سرکوبگر آل خلیفه در بحرین از زمان آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران که تبدیل به یک جنگ منطقه‌ای شد، به شکل قابل توجهی به سرکوب جامعه شیعه که اکثریت بحرین را تشکیل می‌دهند، به بهانه همبستگی آنها با ایران ادامه می‌دهد و به نوعی به دنبال انتقام گرفتن از شیعیان است.

احکام غیرقانونی علیه علمای شیعه در یک دادگاه ساختگی

در این زمینه روز دوشنبه، دادگاه عالی جنایی بحرین علیه 69 نفر، از 15 سال تا حبس ابد، احکامی صادر کرد. این احکام شامل 60 روحانی شیعه و 9 مداح مذهبی بود. مقامات در حال حاضر 56 نفر از آنها، از جمله 47 روحانی و 9 مداح، را در بازداشت دارند.این دادگاه همچنین احکام غیابی علیه 13 عالم دینی، به ویژه آیت الله شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین صادر کرد و او به همراه 63 نفر دیگر به حبس ابد محکوم شدند. 5 نفر دیگر هم به 15 سال زندان محکوم شدند. اتهاماتی که رژیم بحرین علیه این افراد وارد کرده، طبق معمول اتهامات تکراری و بی‌اساس مانند ارتباط با تروریسم، از جمله تأسیس «گروه تروریستی برای سرنگونی نظام قانون اساسی» است.

در این زمینه کمیته امور اسرای بحرینی، بر اساس اطلاعات به دست آمده از یکی از علمای محکوم به حبس ابد، برخی جزئیات روند این پرونده و جلسه‌ای که در آن احکام مذکور صادر شد را اینگونه توصیف کرد: با ورود به دادگاه، قاضی جاسم محمد جاسم العجلان و تیمش گیج به نظر می‌رسیدند. به محض شروع جلسه، قاضی العجلان تکه کاغذی بیرون آورد و اسامی مشخصی را صدا زد و به طور خلاصه خطاب به آنها گفت: «شما به 15 سال زندان محکوم شده‌اید و همه متهمان دیگر به حبس ابد محکوم شده‌اند.» بلافاصله پس از اعلام حکم، او و تیمش با عجله و در حالت گیجی دادگاه را ترک کردند.

سیستم قضایی آل خلیفه صرفا یک ابزار سرکوب است

کمیته امور اسرای بحرینی تاکید کرد که این نشان دهنده «ماهیت از پیش تعیین شده این احکام سنگین و فقدان حتی ابتدایی‌ترین استانداردهای محاکمه عادلانه و روند قانونی» است.

جعفر یحیی، رئیس این کمیته در گفتگو با روزنامه الاخبار اعلام کرد که حکم ناعادلانه علیه گروهی از روحانیون می‌تواند از طریق سیستم قضایی مورد تجدیدنظر قرار گیرد و به دادگاه تجدیدنظر ارجاع داده شود، اما این روند زمان بسیار زیادی طول خواهد کشید.وی افزود: سیستم قضایی تحت حکومت آل خلیفه، هیچ نتیجه‌ای نخواهد داد؛ مگر اینکه فشارهای بین‌المللی حقوق بشری، سیاسی و دیپلماتیک بر مقامات برای تغییر آن اعمال شود. در غیر این صورت، این سیستم سیاسی بر این حکم اصرار خواهد ورزید و می‌خواهد علما را پشت میله‌های زندان نگه دارد.



درزی: ایرانیان اجازه نمی‌دهند

غلامحسین درزی، سفیر و کاردار جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد، پیش از رأی‌گیری درباره پیش‌نویس قطعنامه با عنوان «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» در اظهاراتی گفت: مردم ایران با پرداخت هزینه‌های سنگین نشان داده‌اند که اجازه نخواهند داد آینده آنان از سوی قدرت‌های خارجی یا قطعنامه‌هایی که با اهداف سیاسی تدوین شده‌اند، تعیین شود

نمایندگی ایران: آژانس باید به محدودیت‌ها علیه ایران پایان دهد

متن سخنرانی نماینده ایران به شرح زیر است:بسم الله الرحمن الرحیمجناب آقای رئیس،بار دیگر کانادا و گروه کوچکی از شرکای غربی آن، پیش‌نویس قطعنامه‌ای دیگر با رویکردی گزینشی و انگیزه‌های سیاسی ارائه کرده‌اند که هدف واقعی آن نه ارتقای حقوق بشر، بلکه بهره‌برداری ابزاری از این مفهوم والا علیه یک دولت عضو مستقل و دارای حاکمیت است. جمهوری اسلامی ایران این به اصطلاح پیش‌نویس قطعنامه را به‌طور کامل و قاطعانه رد می‌کند.قطعنامه‌های کشوری از این دست، اصول منشور ملل متحد از جمله برابری حاکمیتی دولت‌ها، عدم گزینشی‌عمل‌کردن و عدم مداخله را نقض می‌کنند. این قطعنامه‌ها بدون مذاکره با هیچ طرفی و بدون حصول توافق با هیچ‌کس، سال‌به‌سال از سوی همان حلقه محدود از دولت‌ها به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار سیاسی و در راستای پیگیری اهداف ژئوپلیتیکی تحمیل می‌شوند. چنین قطعنامه‌هایی سبب فرسایش اعتماد و تضعیف گفت‌وگوی واقعی می‌شوند و هیچ کمکی به بهبود زندگی مردم عادی نمی‌کنند. کارنامه عملی این قطعنامه‌های سالانه روشن است. چنین قطعنامه‌هایی نه وضعیت حقوق بشر حتی یک شهروند ایرانی را بهبود بخشیده‌اند و نه به نقض واقعی حقوق مردم ایران در نتیجه تجاوز نظامی و تحریم‌های غیرقانونی پرداخته‌اند.ها نتیجه آنها تشدید دوقطبی‌سازی، تقویت رویکردهای گزینشی و خدشه‌دارشدن هرچه بیشتر اعتبار نظام حقوق بشری سازمان ملل متحد در نگاه بخش بزرگی از اعضای این سازمان بوده است. تداوم این رویه نه‌تنها سبب تقویت حقوق بشر نمی‌شود، بلکه با آشکارساختن امکان بهره‌برداری از این نظام در خدمت دستورکارهای محدود سیاسی، آن را تضعیف می‌کند.جمهوری اسلامی ایران طی یک سال گذشته با کارزاری هماهنگ شامل حملات نظامی، تلاش برای تحریک ناآرامی‌های داخلی و مصادره آن‌ها در راستای اهداف خاص، اعمال اقدامات قهری یکجانبه و تشدید فشارهای اقتصادی مواجه بوده است.مقامات آمریکایی خود به تلاش‌هایی برای ایجاد شرایط بی‌ثباتی و پیگیری هدف سرنگونی نظام سیاسی ایران اذعان کرده‌اند. اعتراضات مسالمت‌آمیز اقتصادی با دخالت آشکار عوامل خارجی مورد سوءاستفاده قرار گرفت و به خشونت کشیده شد. در تمام این مدت، تهدیدهای اصلی خارجی علیه حق حیات و امنیت مردم ایران از خارج از مرزهای کشور سرچشمه گرفته است.

این پیش‌نویس قطعنامه تمامی این تهدیدها را به‌طور کامل نادیده می‌گیرد؛ جان‌باختن دانش‌آموزان ایرانی و دیگر غیرنظامیان را نادیده می‌گیرد؛ آثار تحریم‌های یکجانبه را نادیده می‌گیرد! در عوض، صرفاً ادعاهای تأییدنشده‌ای را تکرار می‌کند که از سوی سازوکارهای ایجادشده بدون رضایت دولت ذی‌ربط مطرح شده‌اند.جناب آقای رئیس،سکوت در قبال کشتار غیرنظامیان ایرانی واقعاً تأمل‌برانگیز است. در جریان تجاوز نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در اوایل سال جاری، دست‌کم 168 دانش‌آموز و معلمان آنان در حمله به مدرسه شجره طیبه میناب به شهادت رسیدند. مادران آن کودکان همچنان در سوگ فرزندان خود نشسته‌اند. بااین‌حال، حامیان پیش‌نویس قطعنامه که خود را مدافعان حقوق بشر و حقوق کودک معرفی می‌کنند، سکوتی کرکننده و عامدانه اختیار کرده‌اند. ماکان نصیری یکی از آن کودکان بود که مستقیماً هدف اصابت موشک قرار گرفت. هرگز اثری از پیکر او پیدا نشد. مادرش حتی پیکر فرزند خود را در اختیار ندارد تا او را به خاک بسپارد.در جریان دو جنگ تجاوزکارانه و وحشیانه، بیش از 5000 انسان بی‌گناه از جمله 254کودک و 251 زن، جان گران‌بهای خود را از دست داده‌اند. بااین‌حال، کسانی که مدعی دفاع از حقوق زنان و کودکان هستند، حتی یک کلمه نیز درباره جان‌باختن آنان بر زبان نیاورده‌اند. این سکوت ناشی از غفلت نیست؛ انتخابی آگاهانه است. همان دولت‌هایی که این سالن را از ابراز نگرانی درباره ایران آکنده‌اند، دقیقاً همان دولت‌هایی هستند که در برابر تجاوز علیه مردم ایران سکوت اختیار کرده‌اند.هنگامی که کودکان ایرانی کشته می‌شوند، حامیان این قطعنامه سکوت می‌کنند.هنگامی که غیرنظامیان ایرانی زیر فشار تحریم‌های غیرقانونی رنج می‌برند، سکوت می‌کنند. هنگامی که متحدان همین حامیان مسئول واردآوردن آسیب‌های گسترده به غیرنظامیان هستند، باز هم سکوت می‌کنند. این دفاع از حقوق بشر نیست؛ بلکه ابراز خشم گزینشی در خدمت اهداف سیاسی است.هنگامی که ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله تأسیسات صنعتی، پل‌ها، بیمارستان‌ها، فرودگاه‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل، محوطه‌های میراث فرهنگی، اماکن ورزشی و زیرساخت‌های انرژی را هدف قرار دادند و با تحمیل محاصره نظامی و اقدامات قهری یکجانبه بر مردم ایران، حقوق آنان در زمینه سلامت، آموزش و برخورداری از سطح مناسب زندگی را به‌طور نظام‌مند نقض کردند، آن دولت‌ها همچنان سکوت اختیار کردند.

ایران چگونه معادله میزبانی از پایگاه‌های آمریکا در جهان را برهم زد؟

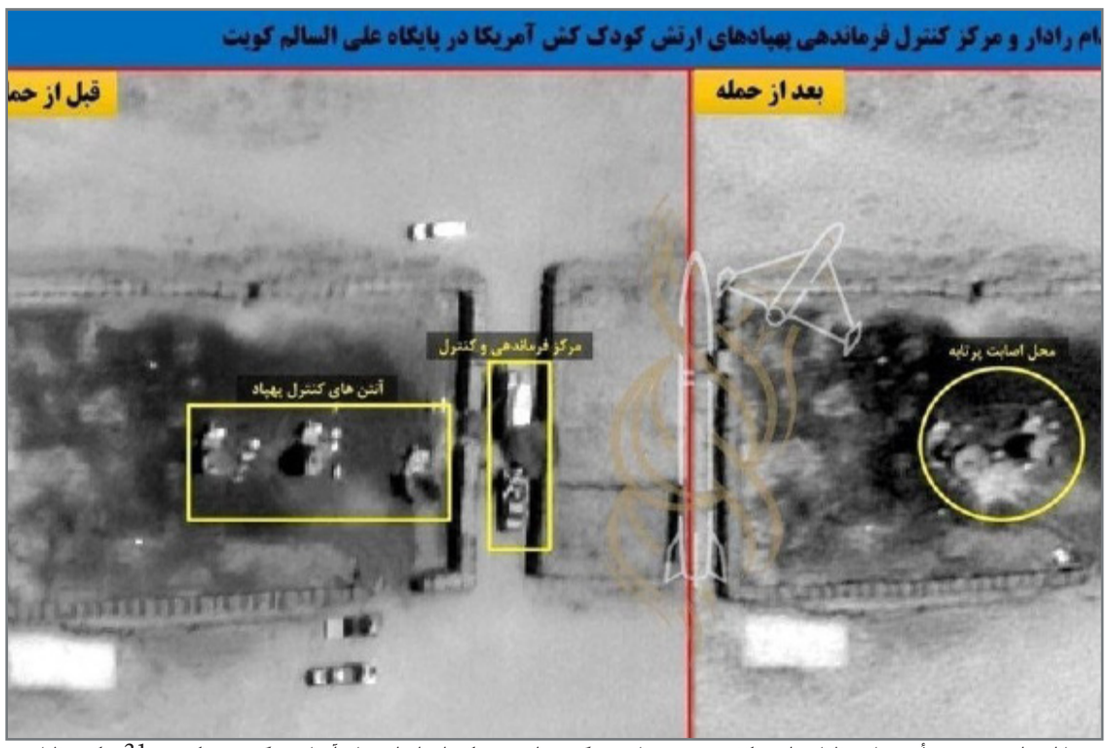
برای دهه‌ها، شبکه گسترده پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا و غرب آسیا یکی از مهم‌ترین ابزارهای واشنگتن برای اعمال قدرت در خارج از مرزهای خود بودند.این پایگاه‌ها به ارتش آمریکا امکان می‌دادند بدون نیاز به انتقال نیرو و تجهیزات از خاک این کشور، در فاصله هزاران کیلومتری عملیات نظامی انجام دهد، خطوط پشتیبانی خود را حفظ کند و امنیت متحدانش را در برابر تهدیدهای خارجی تضمین کند. اما جنگ علیه ایران، این معادله دیرینه را با چالشی جدی روبه‌رو کرده و تعریف بطور کلی جدیدی برای این معادله ایجاد کرده است.تحولات ماه‌های گذشته نشان داده‌اند که استقرار نیروهای آمریکایی در کشورهای دیگر، لزوماً به معنای افزایش امنیت این کشورها نیست. در شرایطی که پایگاه‌های آمریکا به اهداف بالقوه حملات موشکی و پهپادی تبدیل شده‌اند، کشورهای میزبان ممکن است ناخواسته هزینه جنگی را بپردازند که خود در آغاز آن نقشی نداشته‌اند. از سوی دیگر، واشنگتن نیز با این پرسش مواجه شده است که آیا پایگاه‌هایی که به‌سادگی شناسایی و هدف قرار می‌گیرند، همچنان می‌توانند کارکرد نظامی سابق خود را حفظ کنند؟

اکنون پایگاه‌های آمریکایی از بریتانیا تا کشورهای حاشیه خلیج فارس نه‌تنها آسیب‌پذیری زیرساخت‌های نظامی آمریکا را آشکار کرده‌اند بلکه محاسبات امنیتی متحدان واشنگتن و راهبرد استقرار نیروهای این کشور در خارج از مرزهایش را نیز تحت تأثیر قرار داده است. رادار سایت پدافندی آمریکا در پایگاه بالگردی الرفاع بحرین هدف قرار گرفتیکی از روشن‌ترین نشانه‌های تغییر معادله، خروج بخشی از تجهیزات نظامی آمریکا از پایگاه‌هایش در اروپا و غرب آسیا است.

پایگاه هوایی «راف فرفورد» در منطقه گلاسترشایر بریتانیا، نمونه‌ای قابل توجه از این تحول است. این پایگاه دهه‌ها یکی از مراکز مهم پشتیبانی عملیات نظامی آمریکا بوده است. در جنگ خلیج فارس در سال 1991، جنگ یوگسلاوی در سال 1999 و جنگ عراق در سال 2003، هواپیماهای آمریکایی از این پایگاه برای انجام مأموریت‌های نظامی و تأمین سوخت استفاده کردند. در مراحل ابتدایی جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران نیز فرفورد در خدمت عملیات نظامی قرار گرفت.با این حال، در ماه اکتبر، آمریکا هر 12 بمب‌افکن راهبردی Lancer 1-B خود را از این پایگاه خارج کرد؛ اقدامی که آمریکایی‌ها گفته‌اند به دلیل نگرانی از تهدیدهای مرتبط با ایران انجام شده است.این جابه‌جایی به فرفورد محدود نماند. آمریکا در ماه نوامبر 12 فروند هواپیما را از پایگاه دیگری در بریتانیا، یعنی «راف میلدنهال»، خارج کرد. همچنین گزارش‌هایی در ماه ژوئیه منتشر شد که نشان می‌داد واشنگتن شمار زیادی از تجهیزات نظامی خود را از پایگاه‌های آسیب‌دیده در کشورهای خلیج فارس به اردن منتقل کرده و حتی گزینه انتقال بخشی از آنها به سرزمین‌های اشغالی را بررسی کرده است.این تحولات نشان می‌دهد که حتی پایگاه‌هایی که دهه‌ها بخش ثابت معماری نظامی آمریکا بوده‌اند، دیگر الزاماً مکان‌هایی امن برای استقرار تجهیزات راهبردی این کشور محسوب نمی‌شوند.

خسارت به صدها سازه نظامی آمریکا در منطقه

مهم‌ترین شواهد درباره تغییر وضعیت پایگاه‌های آمریکا را باید در



خسارات واردشده به تأسیسات نظامی این کشور در جریان جنگ جست‌وجو کرد.

گزارشی که دفتر بازرس کل پنتاگون در ماه سپتامبر منتشر کرد، نشان داد که حملات ایران در چهار ماه نخست جنگ به صدها ساختمان و سازه در تأسیسات نظامی آمریکا در کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، عراق، عمان و اردن آسیب رسانده یا آنها را منهدم کرده است.ابعاد این خسارات تنها به ساختمان‌های پشتیبانی محدود نبود. دست‌کم پنج فروند هواپیمای سوخت‌رسان KC-135 در حمله به پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در عربستان سعودی آسیب دیدند. همچنین دست‌کم یک فروند هواپیمای هشدار زودهنگام و کنترل هوابرد نیز در حمله‌ای دیگر، روی زمین هدف قرار گرفت و آسیب دید.در کویت، خسارات به‌مراتب گسترده‌تر توصیف شده است. حمله به بندر شویخ باعث کشته شدن شش نظامی آمریکایی و انهدام یک مرکز عملیات ارتش تروریستی آمریکا شد. پهپادها و موشک‌های ایران به تأسیسات هوانوردی پایگاه هوایی علی‌السالم آسیب رساندند و شماری از نیروها را مجروح کردند. در اردوگاه بوهرینگ نیز تأسیسات تعمیر و نگهداری و سوخت‌رسانی هدف قرار گرفتند.

گزارش تحقیقی برنامه 60 دقیقه شبکه سی‌بی‌اس با عنوان «هزینه جنگ» (The Cost of War) که به تازگی منتشر شده هم تصاویری جدید از آسیب‌های واردشده به تأسیسات نظامی آمریکا ارائه می‌دهد. بر اساس بررسی تصاویر ماهواره‌ای و ویدئوهای جدید توسط این شبکه، ایران از زمان آغاز جنگ دست‌کم به 31 مرکز نظامی و دیپلماتیک آمریکا در هشت کشور حمله کرده و صدها ساختمان و سازه را آسیب‌دیده یا منهدم کرده است.مهم‌ترین یافته گزارش 60 دقیقه، ابعاد گسترده خسارات واردشده به زیرساخت‌های نظامی و دیپلماتیک آمریکا در منطقه است. این شبکه در گزارش خود به تأسیسات آمریکایی در عربستان سعودی، کویت، بحرین و دیگر کشورهای منطقه اشاره می‌کند و می‌گوید ابعاد تخریب‌ها بسیار گسترده‌تر از چیزی است که پنتاگون تاکنون به‌طور کامل اعلام کرده است.نورا اودانل، خبرنگار این برنامه، می‌گوید بررسی تصاویر ماهواره‌ای و ویدئوهای جدید نشان داده است که ایران از ابتدای جنگ دست‌کم 31 مرکز نظامی و دیپلماتیک آمریکا را در هشت کشور هدف قرار داده و به صدها ساختمان و سازه آسیب رسانده است.یکی از نمونه‌های مهم این خسارات، مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین است که به گفته گزارش سی‌بی‌اس، در جریان حملات ایران منهدم شده است.مستند سی‌بی‌اس برای نشان دادن آسیب‌پذیری پایگاه‌های آمریکا، به‌طور ویژه بر حمله ایران به یک مرکز فرماندهی ارتش آمریکا در بندر شوبیه کویت تمرکز کرده است؛ حمله‌ای که به کشته شدن شش نظامی آمریکایی در نخستین 24 ساعت جنگ انجامید.

اهمیت این پرونده تنها به تلفات انسانی آن محدود نیست. تحقیقات هشت‌ماهه سی‌بی‌اس نشان می‌دهد که پیش از حمله، نگرانی‌هایی درباره امنیت این پایگاه وجود داشته و برخی نظامیان آمریکایی نسبت به نبود تجهیزات دفاعی مناسب هشدار داده بودند.

ادعای آمریکا درباره دخالت صیادان ایرانی



حمزه رستم‌پور، رئیس سازمان شیلات ایران، در نشست خبری و در واکنش به ادعای بی اساس دشمن آمریکای مبنی بر دخالت صیادان ایرانی در عملیات نظامی و کاشت مین در دریا اظهار داشت: هر بخش در کشور وظیفه مشخصی دارد و مأموریت سازمان شیلات نیز تولید، اشتغال‌زایی، محرومیت‌زدایی، مهاجرت معکوس و ارزآوری است؛ بنابراین قرار نیست در امور سیاسی یا نظامی مداخله کنیم.
وی افزود: وظیفه صیادان ما صید و فعالیت در حوزه شیلات است و این ادعا که صیادان در عملیات نظامی دخالت دارند، صحت ندارد. صیادان کشور در همین شرایط نیز به فعالیت صیادی خود مشغول بوده‌اند و مأموریت آنها انجام فعالیت‌های اقتصادی و تأمین تولید است.رئیس سازمان شیلات ایران با اشاره به همراهی صیادان با آسیب‌دیدگان در جریان جنگ گفت: صیادان در این مدت، به‌ویژه در استان هرمزگان، به‌صورت داوطلبانه به همصنفان و افرادی که دچار خسارت شده بودند کمک کردند. حتی صیادانی که خودشان آسیب ندیده بودند، برای حمایت از صیادان خسارت‌دیده کمک‌های مالی و غیرمالی انجام دادند. این همراهی نشان می‌دهد که جامعه صیادی در کنار فعالیت اقتصادی خود، در شرایط دشوار نیز به یکدیگر کمک می‌کند.
رستم‌پور در ادامه با اشاره به ظرفیت‌های حوزه شیلات کشور اظهار داشت: در حال حاضر بیش از 100 اسکله صیادی، حدود 22 هزار صیاد و 22 هزار شناور صیادی در کشور فعالیت دارند. بیش از 300 هزار نفر به‌صورت مستقیم در حوزه شیلات اشتغال دارند و با احتساب اشتغال غیرمستقیم، جمعیت شاغل در این بخش به حدود یک میلیون نفر می‌رسد.

وی با بیان اینکه ظرفیت‌های شیلات کشور بسیار فراتر از میزان تولید فعلی است، افزود: رشد جهانی تولید آبزیان در 10 سال اخیر به‌طور متوسط حدود 3.1 درصد بوده، در حالی که رشد این بخش در ایران بیش از 6 درصد است و کشورمان در زمره پنج کشور دارای رشد بالای این حوزه قرار دارد. با وجود این، هنوز از بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های موجود استفاده نشده و توسعه شیلات به سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز دارد.
رئیس سازمان شیلات ایران با تأکید بر نقش بخش خصوصی در توسعه این حوزه گفت: نگاه ما در سازمان شیلات، توسعه سرمایه‌گذاری و محور قرار دادن اقتصاد است. اگر تصور کنیم که توسعه این بخش صرفاً با منابع دولتی امکان‌پذیر است، قطعاً با شکست مواجه می‌شویم. یکی از نقاط قوت شیلات این است که بیش از 99 درصد فعالیت‌های تولیدی آن توسط بخش خصوصی انجام می‌شود و وابستگی تولید به دولت در این حوزه بسیار محدود است.

رستم‌پور با اشاره به میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در این بخش تصریح کرد: در سال 1404 حدود 67 هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در حوزه شیلات صورت گرفت که بیش از 90 درصد آن از محل آورده بخش خصوصی بود. برای سال 1405 نیز حدود 100 هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در این بخش هدف‌گذاری شده است.

وی ادامه داد: تا زمان برگزاری این نشست، دست‌کم 40 هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در حوزه شیلات انجام شده است. همچنین در دو مرحله و هم‌زمان با هفته جهاد کشاورزی و هفته دولت، بیش از 21 هزار میلیارد تومان پروژه در این حوزه به بهره‌برداری رسیده است. البته افتتاح و بهره‌برداری از پروژه‌ها محدود به مناسبت‌ها نیست و طرح‌های آماده بهره‌برداری در طول سال افتتاح خواهند شد.
رئیس سازمان شیلات ایران در بخش دیگری از سخنان خود به وضعیت تولید میگوی پرورشی اشاره کرد و گفت: تولید میگوی پرورشی کشور در سال 1404 به بیش از 62 هزار تن رسید که یک رکورد محسوب می‌شود. این میزان تولید برای نخستین بار در کشور به دست آمد.

قانون خوب بانکداری بدون ربا ناقص اجرا شد

بیش از چهار دهه از تصویب «قانون عملیات بانکی بدون ربا» در سال 1362 می‌گذرد؛ قانونی که قرار بود نقطه پایان بر بانکداری ربوی در کشور باشد و مسیر تأمین مالی تولید و تجارت را هموار کند. با این حال، به اذعان بسیاری از کارشناسان، اجرای ناقص آیین‌نامه‌ها، پرداخت سود علی‌الحساب به سپرده‌گذاران و تداوم روش‌های مبتنی بر بهره، باعث شد فلسفه اصلی این قانون در عمل محقق نشود. امروز نیز همچنان سود پول، به جای سود تولید و تجارت، یکی از معضلات جدی نظام بانکی کشور به شمار می‌رود.غلامرضا مصباحی مقدم، یکی از صاحب‌نظران برجسته حوزه اقتصاد اسلامی و عضو شورای فقهی بانک مرکزی در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم به تشریح چالش‌های اجرای بانکداری بدون ربا در ایران، نقش بانک‌ها در خلق پول و تورم، تجربه کشورهای موفق در بانکداری اسلامی و راهکارهای اصلاح نظام بانکی کشور می‌پردازد.
بنظر شما آیا آنچه امروز در کشور اجرا می‌شود واقعاً بانکداری بدون رباست؟ با توجه به اینکه عملیات بانکداری بدون ربا از اوایل دهه 60 آغاز شد، اما عملاً در دهه‌های 70 و 80 مورد توجه جدی قرار گرفت، آیا نرخ‌های سودی که امروز در نظام بانکی پرداخت می‌شود، شائبه ربوی ندارد؟»
مصباحی مقدم: قانون عملیات بانکی در سال 1362 تصویب شد و بنا بود از آغاز سال 1363 اجرایی و عملیاتی شود. اما بستر اجرای این قانون فراهم نشد. آیین‌نامه‌هایی که باید دقیقاً زمینه اجرایی این قانون را مهیا می‌کرد و ثانیاً فرهنگ بانکداری بدون ربا را به نیروهای شبکه بانکی منتقل می‌ساخت، تدوین و پیاده‌سازی نشد. به عبارت دیگر، آموزش لازم به‌ویژه برای کسانی که مسئول اعطای تسهیلات در شعب بانک‌ها بودند، انجام نگرفت تا بتوانند مطابق قانون، عملیات را به‌درستی اجرا کنند.مقتضای این قانون، پیوند بانک با بازار و ورود پول به بخش حقیقی اقتصاد بود تا موجب رشد، تولید، اشتغال و بهره‌وری از پول شود. هدف این قانون آن بود که پول به تولیدکننده و تاجر برسد و مستقیماً وارد بازار واقعی کالا شود.متأسفانه چنین اتفاقی رخ نداد و بانک‌ها همان روش قبلی خود را که مبتنی بر کارکرد نرخ بهره بود، ادامه دادند. به‌ویژه مصوبه‌ای از شورای پول و اعتبار وجود داشت که به بانک‌ها اجازه می‌داد به سپرده‌گذاران «سود علی‌الحساب» بدهند و طبعاً این سود باید ماهانه پرداخت می‌شد. در نتیجه، فاتحه بانکداری بدون ربا به معنای واقعی خوانده شد. چرا؟ زیرا سود علی‌الحساب ماهیتاً به این معناست که قبل از آن‌که بانک منابعش را توسط تولیدکننده یا تاجر به کار گیرد، موظف است این سود را از ناحیه خود به سپرده‌گذار پرداخت کند. بنابراین، در گام اول برای بانک هزینه ایجاد شد؛ به این معنا که بانک هر ماه سود می‌پرداخت بدون آن‌که درآمدی کسب کرده یا فرآیند تأمین مالی تولید و تجارت شکل گرفته باشد. از نظر حسابداری، این پرداخت‌ها هزینه‌ای برای بانک و هزینه تأمین منابع مالی محسوب شد. به همین علت است که می‌گویند «قیمت پول بالاست». چرا قیمت پول بالاست؟ چون هرچه نرخ سود بالاتر برود، هزینه پول برای بانک بیشتر می‌شود. نکته دیگر این‌که بانک در سمت تأمین مالی‌شونده نیز شرایطی گذاشت؛ به این معنا که از متقاضی تأمین مالی می‌خواست سه درصد بالاتر از سودی که ماهانه به سپرده‌گذار پرداخت می‌کند، به بانک بپردازد تا به‌عنوان «حق‌الوکاله» و حاصل خدمات بانک تلقی شود.بنابراین در گام بعدی نیز برای سرمایه‌گذار یا متقاضی تأمین مالی، هزینه ایجاد شد. این در حالی است که مقتضای بانکداری بدون ربا آن بود که تولیدکننده و تاجر از ناحیه بانک، چه در قالب مشارکت و چه در قالب غیرمشارکتی، تأمین مالی شوند و هزینه‌ها ناشی از عملیات اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی و تجاری باشد، نه هزینه پول. در نتیجه، هم برای سپرده‌گذار هزینه پول به وجود آمد و هم برای تأمین مالی‌شونده.مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی (رحمه‌الله علیه) نقلی از امام خمینی(ره) داشتند. ایشان می‌گفتند: زمانی که قانون عملیات بانکی در کمیسیون اقتصادی تصویب شد و سپس در صحن مجلس به تصویب رسید، نمایندگان خدمت امام رسیدند و طرح را تقدیم کردند و گفتند «قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب شد». امام در پاسخ، بدون ورود به جزئیات ماهیت موضوع، یک جمله فرمودند: «بروید کاری کنید که پول سود نکند.» اما با مصوبه شورای پول و اعتبار، دقیقاً کاری کردند که پول سود کند و امروز مشکل ما «سود پول» است.سود پول چیست؟ سود پول غیر از سود تجارت و غیر از سود تولید است. سود تجارت و سود تولید حلال است، اما سود پول محاربه با خداست.البته باید توجه داشت که همه کارکردهای بانک در این قالب و چارچوب قرار نمی‌گیرد. به بیان دیگر، بانک‌ها تأمین مالی‌های درست و صحیح هم دارند. به‌عنوان نمونه، اگر بانکی بخواهد ساخت مسکن را تأمین مالی کند، ابتدا یک قرارداد مشارکت مثلاً دوساله منعقد می‌شود و ساختمان ساخته می‌شود. سپس دوره فروش اقساطی تعیین می‌شود که هر دو شیوه بدون مشکل است. بنابراین، بانک تأمین مالی‌هایی هم دارد که حلال است و مشکلی ندارد. یا مثلاً در مواردی که بانک برای خرید خودرو تأمین مالی می‌کند، چک را در وجه شرکت تولیدکننده صادر می‌کند. در این صورت نیز مشکلی برای این نوع تأمین مالی وجود ندارد.



آقای مصباحی مقدم یک نقد بنیادین به بانکداری متعارف از سوی برخی اقتصاددانان اسلامی این است که ماهیت و ذات سیستم بانکی، ربوی است و درآمدش همواره به نوعی از «سود پول» حاصل می‌شود. این دیدگاه معتقد است هر اصلاحی در قالب همین سیستم نهایتاً صوری است و برای حل مشکل، باید یک ساختار کاملاً جدید طراحی کرد. پرسش من از شما این است: آیا شما با این گزاره محوری موافق هستید؟ و اگر چنین است، اصولاً چه شکل و مکانیزمی می‌تواند جایگزین این سیستم شود؟
مصباحی مقدم: بانک در اصل یک بنگاه واسطه گری مالی است و هیچ مانعی در این نقش وجود ندارد. کارکرد بانک‌ها در سراسر جهان این است که منابع خُرد مردم را جمع‌آوری کرده و در اختیار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی قرار می‌دهند. از این طریق، فرآیند تامین مالی تولید و تجارت انجام می‌شود. علاوه بر این، بانک‌ها بر عملکرد و جریان واقعی تولید و تجارت نظارت دقیق دارند. هدف از این نظارت، اطمینان از بازگشت منابع مالی و مدیریت ریسک است.وجود سازوکارهای سرمایه‌گذاری (Investment) نشان می‌دهد که بانک می‌تواند به عنوان یک نهاد تامین‌کننده مالی و واسطه عمل کند، بدون آنکه ذاتاً نیاز به ربوی بودن داشته باشد. به عنوان نمونه‌های عینی، می‌توان به «بانک اسلامی توسعه» (ITB) اشاره کرد که با مشارکت 53 کشور اسلامی تأسیس شده و فعالیت آن کاملاً غیرربوی است. این بانک، پروژه‌های توسعه‌ای در کشورهای عضو، از جمله ایران در سال‌های پیش از انقلاب، را تامین مالی کرده است. همچنین، بانک‌های اسلامی متعددی در جهان وجود دارند که به صورت حلال و مطابق با شریعت فعالیت می‌کنند. مدل عملیاتی این بانک‌ها بر اساس مشارکت در سود و زیان است؛ به این معنا که آن‌ها بنگاه‌ها و افراد را تامین مالی می‌کنند و در ازای آن، سهمی از سود حاصل شده در دنیای واقعی را دریافت می‌کنند.



تراستی‌ها چقدر ارز به کشور بدهکارند؟

پرونده تراستی‌ها بار دیگر به صدر اخبار اقتصادی بازگشته است. واسطه‌هایی که قرار بود در شرایط تحریم، مسیر انتقال درآمدهای ارزی کشور را هموار کنند، حالا عملکرد برخی از آنها به موضوع ده‌ها پرونده قضایی تبدیل شده است. تازه‌ترین اظهارات سخنگوی قوه قضاییه نشان می‌دهد تعداد پرونده‌های مرتبط با تراستی‌ها به 73 مورد رسیده، اما هنوز تصویر روشنی از مجموع منابع ارزی بازنگشته و میزان مطالبات وصول‌شده در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است.
سیدعلی کاظمی، سخنگوی قوه قضاییه، امروز 26 آبان 1405 از رسیدگی به 73 پرونده مرتبط با تراستی‌ها خبر داد و اعلام کرد که برخی از این پرونده‌ها با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شده‌اند و رسیدگی به برخی دیگر همچنان در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد. او همچنین از پیگیری هزاران پرونده مرتبط با رفع تعهدات ارزی صادراتی و وارداتی سخن گفت؛ پرونده‌هایی که اگرچه از نظر ماهیت با موضوع تراستی‌ها تفاوت دارند، اما همگی بخشی از چالش بزرگ‌تر بازگشت منابع ارزی به چرخه اقتصاد کشور را نشان می‌دهند.
اهمیت این اظهارات زمانی بیشتر می‌شود که آمار جدید را در کنار گزارش‌های قبلی دستگاه قضایی قرار دهیم. سخنگوی قوه قضاییه 28 مهرماه اعلام کرده بود که 71 پرونده درباره تراستی‌ها تشکیل شده و 23 پرونده به دادگاه راه یافته است. در همان مقطع، 150 شخص حقیقی و 25 شخص حقوقی نیز در ارتباط با این پرونده‌ها تحت تعقیب قرار داشتند. حالا با افزایش تعداد پرونده‌ها به 73 مورد، روشن است که رسیدگی قضایی به عملکرد این واسطه‌های مالی همچنان ادامه دارد.اما آنچه پرونده تراستی‌ها را از یک موضوع صرفاً قضایی فراتر برده، ارتباط مستقیم آن با منابع ارزی کشور است. تراستی‌ها در سال‌های گذشته و به‌ویژه در شرایط تشدید محدودیت‌های بانکی و تحریم‌های بین‌المللی، نقش مهمی در انتقال پول حاصل از صادرات نفت و سایر مبادلات خارجی بر عهده گرفته‌اند. در شرایطی که استفاده از مسیرهای متعارف بانکی با دشواری همراه بوده، بخشی از نقل‌وانتقالات مالی کشور از طریق این واسطه‌ها انجام شده است. با این حال، اتکای گسترده به چنین سازوکاری، مسئله نظارت بر گردش پول و تضمین بازگشت منابع را به یکی از حساس‌ترین موضوعات مدیریت ارزی تبدیل کرده است.البته تشکیل پرونده قضایی برای تعدادی از تراستی‌ها به معنای تخلف تمام فعالان این حوزه نیست. سخنگوی قوه قضاییه پیش‌تر اعلام کرده بود که تنها حدود دو تا سه درصد از فعالان این بخش رفتارهای نادرست داشته‌اند. با وجود این، حتی تخلف بخش محدودی از واسطه‌های مالی نیز زمانی که پای درآمدهای کلان ارزی در میان باشد، می‌تواند پیامدهای قابل‌توجهی برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد.
در هفته‌های اخیر، موضوع بازگشت پول نفت از تراستی‌ها در مجلس نیز با حساسیت بیشتری دنبال شده است. برخی نمایندگان نسبت به باقی‌ماندن منابع ارزی در اختیار واسطه‌ها هشدار داده و خواستار شفاف‌سازی درباره هویت تراستی‌ها، میزان بدهی آنها و دستگاه‌های مسئول نظارت بر عملکردشان شده‌اند. در مقابل، اظهاراتی نیز درباره بازگشت بخش عمده‌ای از درآمدهای نفتی مطرح شده است. همین تفاوت در روایت‌ها نشان می‌دهد که هنوز آمار جامع و یکپارچه‌ای از وضعیت مطالبات ارزی در دسترس عموم قرار نگرفته است.
یکی از مهم‌ترین ابهامات موجود، فاصله میان تعداد پرونده‌های تشکیل‌شده و ارزش مالی منابعی است که موضوع این پرونده‌ها قرار گرفته‌اند. افزایش تعداد پرونده‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند نشان دهد چه میزان ارز در خارج از کشور باقی مانده یا چه مقدار از مطالبات دولت قابل وصول است. برای ارزیابی دقیق‌تر عملکرد دستگاه‌های مسئول، لازم است ارزش مالی پرونده‌ها، میزان منابع بازگردانده‌شده و وضعیت مطالبات باقی‌مانده نیز مشخص شود.
از سوی دیگر، مسئله مسئولیت دستگاه‌های اجرایی در این پرونده همچنان اهمیت دارد. وزارت نفت متولی فروش نفت و بانک مرکزی یکی از نهادهای اصلی مسئول در مدیریت جریان ارز کشور است. از این رو، روشن‌شدن حدود مسئولیت هر دستگاه در انتخاب واسطه‌ها، دریافت تضمین‌های معتبر و نظارت بر بازگشت درآمدهای نفتی می‌تواند بخش مهمی از ابهامات موجود را برطرف کند.



تجربه‌های فجر۴۴ برای دبیر جدید

با انتخاب علیرضا تابش به‌عنوان دبیر چهل‌وپنجمین جشنواره ملی فیلم فجر، یکی از مهم‌ترین ابهام‌های این رویداد سینمایی برطرف شد؛ اما حالا پرسش اصلی این است که دبیر جدید در فرصت باقی‌مانده تا برگزاری جشنواره چه برنامه‌ای برای یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور دارد و چگونه می‌خواهد از تجربه دوره‌های گذشته برای بهبود وضعیت آن استفاده کند؟
انتخاب تابش از این جهت قابل توجه است که او برخلاف برخی مدیران تازه‌وارد به عرصه دبیری جشنواره، سابقه‌ای طولانی در مدیریت فرهنگی و سینمایی دارد. مدیریت هفت‌ساله بنیاد سینمایی فارابی، دبیری سه دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، دبیری دو دوره جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی و حضور در شوراهای سیاست‌گذاری رویدادهای سینمایی، بخشی از کارنامه مدیریتی اوست. همچنین فعالیت در مطبوعات تخصصی سینما و آشنایی با فضای رسانه‌ای، از دیگر ویژگی‌هایی است که می‌تواند در مسئولیت تازه او اهمیت داشته باشد.با این حال، برخورداری از سابقه مدیریتی لزوماً به معنای موفقیت در اداره جشنواره‌ای با مختصات فجر نیست. جشنواره فیلم فجر صرفاً مجموعه‌ای از نمایش‌ها، نشست‌ها و مراسم افتتاحیه و اختتامیه نیست. دبیر این رویداد باید بتواند نبض سینمای ایران را در دست بگیرد، برای حضور آثار شاخص تلاش کند، با هنرمندان و رسانه‌ها ارتباط مؤثر داشته باشد و در بزنگاه‌های مهم، مسئولیت فرهنگی و ملی خود را به یاد بیاورد.تابش اکنون با فرصتی محدود و انتظاراتی گسترده روبه‌روست. او باید نشان دهد که تجربه مدیریت بنیاد فارابی و برگزاری رویدادهای سینمایی، چگونه می‌تواند به ارتقای کیفیت و اعتبار فجر منجر شود. در این مسیر، اما آنچه که امروز بیش از هرچیزی اهمیت دارد توجه به درس عبرت‌هایی است که از سال گذشته با آن روبرو بودیم و حالا مانند آزمون‌هایی است که دبیر محترم جشنواره فیلم فجر باید از آنها سربلند بیرون بیاید.یکی از مهم‌ترین مایه عبرت‌های دوره گذشته، ضرورت مواجهه مستقیم، شفاف و مسئولانه با رسانه‌هاست. در یادداشتی که پیش‌تر منتشر شد، به یکی از ایرادات جدی جشنواره فیلم فجر در سال 1404، یعنی تشکیل نشدن روابط عمومی مستقل برای جشنواره، اشاره کردیم؛ اتفاقی کم‌سابقه که مایه تعجب بسیاری از اهالی رسانه شد.

سهم سینمای ایران از اسطوره چیست؟



موفقیت تجاری اقتباس‌های سینمایی از اسطوره‌ها و حماسه‌های کهن، از «رامایانا» در سینمای هند تا «ادیسه» در هالیوود، بار دیگر نشان می‌دهد که روایت‌های ریشه‌دار در فرهنگ و تاریخ ملت‌ها، اگر با زبان سینمای امروز بازآفرینی شوند، می‌توانند فراتر از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی مخاطب پیدا کنند.فروش قابل توجه این آثار در کنار تجربه فیلم‌هایی چون «باهوبالی» و «آرآرآر»، این پرسش را پیش روی سینمای ایران قرار می‌دهد که چرا با وجود برخورداری از گنجینه‌ای به وسعت شاهنامه و اسطوره‌های ایرانی، هنوز نتوانسته‌ایم از این ظرفیت برای ساخت آثار جریان‌ساز و ورود مؤثر به بازار جهانی استفاده کنیم؟

نمایی از رامایانا

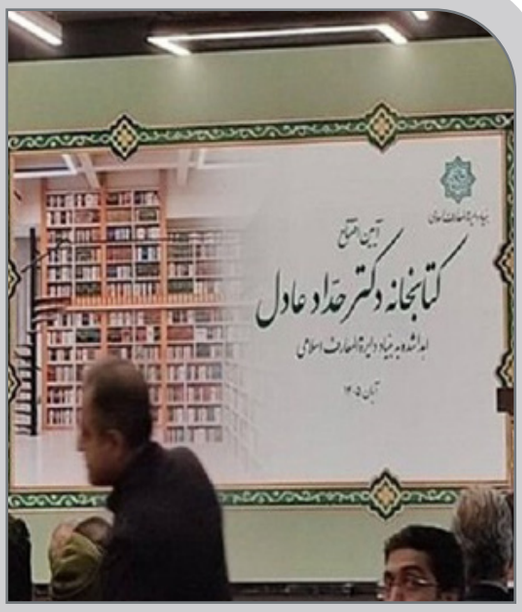
سینمای جهان در سال‌های اخیر بار دیگر به سراغ روایت‌هایی رفته است که قرن‌ها در حافظه تاریخی و فرهنگی ملت‌ها حضور داشته‌اند. اسطوره‌ها و حماسه‌ها، شخصیت‌های شناخته‌شده، جهان‌های داستانی گسترده و تعارض‌های انسانی فراوانی در اختیار سینماگران قرار می‌دهند. از سوی دیگر، این آثار می‌توانند بخشی از جهان‌بینی و میراث فرهنگی یک ملت را به مخاطبانی معرفی کنند که پیش از آن شناخت چندانی از آن تمدن نداشته‌اند.دو نمونه مهم این رویکرد را می‌توان در سینمای هند و هالیوود مشاهده کرد؛ دو صنعت سینمایی که با وجود تفاوت‌های ساختاری، از ظرفیت روایت‌های کهن برای ساخت محصولات بزرگ سینمایی بهره برده‌اند.

«اودیسه»؛ بازگشت حماسه یونان به پرده سینما

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این رویکرد در سینمای غرب، فیلم «ادیسه» به قلم و کارگردانی کریستوفر نولان است؛ اثری بر اساس حماسه مشهور هومر که داستان بازگشت اودیسئوس، پادشاه ایتاکا، از جنگ تروا به خانه را روایت می‌کند. این سفر طولانی، مجموعه‌ای از آزمون‌های جسمی و روحی است و قهرمان داستان در مسیر بازگشت با موجودات افسانه‌ای، نیروهای فراطبیعی و وسوسه‌هایی روبه‌رو می‌شود که هر یک بخشی از جهان اسطوره‌ای یونان باستان را به نمایش می‌گذارند.اهمیت انتخاب نولان در این است که سراغ حماسه‌ای رفته که بیش از سه هزار سال در فرهنگ غرب حضور داشته و بر ادبیات، هنر و فلسفه اروپا اثر گذاشته است. سینما در اینجا امکان تازه‌ای برای بازخوانی و عرضه دوباره یک میراث فرهنگی فراهم می‌کند؛ میراثی که پیش از این از طریق شعر، کتاب و هنرهای تجسمی منتقل می‌شد و حالا در قالب یک محصول بزرگ سینمایی در اختیار مخاطب جهانی قرار گرفته است.نتیجه اقتصادی این انتخاب نیز قابل توجه بوده است. بر اساس آمار پایگاه «The Numbers»، فروش جهانی «ادیسه» به حدود یک میلیارد و ۸۰۵ میلیون دلار رسیده است. این فیلم با بودجه تولید اعلام‌شده حدود ۲۵۰ میلیون دلار ساخته شده و در بازارهای داخلی و بین‌المللی عملکردی فراتر از یک اثر معمول سینمایی داشته است. انتخاب یک حماسه کهن به‌عنوان محور یک پروژه عظیم سینمایی، تصمیمی معنادار در سطح فرهنگی و اقتصادی است.

«رامایانا»؛ حماسه هند در مسیر بازار جهانی

در سوی دیگر، سینمای هند نیز با پروژه عظیم «رامایانا» تلاش کرده یکی از مهم‌ترین متون حماسی این کشور را با استانداردهای تولید جهانی بازآفرینی کند. این اثر به کارگردانی نیتش تیواری ساخته شده است.«رامایانا» داستان شاهزاده‌ای به نام راما را روایت می‌کند که در پی تبعید، همراه همسرش سیتا و برادرش راهی جنگل می‌شود. ربوده شدن سیتا به دست راوانا، پادشاه لانکا، زمینه‌ساز رویارویی بزرگ این حماسه است. این روایت در فرهنگ هند جایگاهی فراتر از یک داستان ادبی دارد و در طول قرن‌ها از طریق متون مکتوب، نمایش‌های آیینی و روایت‌های شفاهی به نسل‌های مختلف منتقل شده است.براساس گزارش رسانه‌های هندی در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶ با استناد به آمار پایگاه رصد گیشه «Sacnilk»، این فیلم در سیزده روز نخست اکران خود به فروش جهانی حدود هزار و ۴۸۳ کرور روپیه رسید. از این رقم، حدود ۹۸۱ کرور روپیه مربوط به فروش ناخالص بازار هند و حدود ۵۰۲ کرور روپیه مربوط به بازارهای خارج از هند است.
سهم بازارهای خارجی از فروش جهانی فیلم حدود ۳۴ درصد برآورد می‌شود.



گلایه حداد عادل از گرانی کتاب

هم‌زمان با هفته کتاب و کتاب‌خوانی، آیین رسمی افتتاح کتابخانه شخصی غلامعلی حدادعادل، عصر امروز چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۵ در محل بنیاد دائرةالمعارف اسلامی برگزار شد و در آن مجموعه‌ای بالغ بر ۲۵ هزار جلد کتاب و مجله، پس از هفت دهه گردآوری، رسماً در اختیار این نهاد علمی قرار گرفت تا پژوهشگران و علاقه‌مندان به دانش از آن بهره ببرند.در این آیین، سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رضا مختاری رئیس مرکز کتاب‌شناسی شیعه، ایرج فرجی عضو هیئت امنای کتابخانه و نظام‌الدین زاهدی سفیر تاجیکستان در تهران حضور داشتند.
حدادعادل در آغاز این مراسم با خوش‌آمدگویی به میهمانان خارجی و استادان دانشگاه و حوزویان، کتابخانه‌های مراکز علمی را از ارکان غیرقابل‌انکار رشد پژوهش دانست و گفت: این مجموعه‌ها همچون راه‌های میانبر، هم مدیران علمی را در فراهم‌سازی ملزومات اهل دانش یاری می‌کنند هم محققان را از «تجربه زیسته» صاحب اثر برخوردار می‌سازند. آنچه کتابخانه‌های شخصی عالمان را متمایز می‌کند، حواشی و یادداشت‌هایی است که بر کتاب‌های خوانده‌شده بر جای مانده و همین حاشیه‌ها، سنگ‌بنای کتابخانه یک مرکز علمی می‌شود.سید کاظم موسوی بجنوردی رئیس بنیاد دائرةالمعارف اسلامی هم در این برنامه با مروری تاریخی بر سنت وقف و اهدای کتاب در دوره معاصر، نمونه‌هایی چون کتابخانه مرحوم حاج حسین ملک در بین‌الحرمین (۱۳۱۶)، کتابخانه سید محمد وزیری در یزد، کتابخانه مسجد اعظم قم به همت آیت‌الله بروجردی، کتابخانه مؤسسه امام صادق(ع) با انتقال کتابخانه شخصی آیت‌الله سبحانی در سال ۱۳۵۹، کتابخانه شیخ جعفر حسنی با حدود ۳۰ هزار جلد، و کتابخانه‌های آیت‌الله حکیم در نجف و آیت‌الله خوئی در دارالعلم را برشمرد و تأکید کرد که اقدام اهدای این مجموعه، در امتداد سیره همین بزرگان قرار دارد.رضا مختاری نیز که به نیابت از سید محمود مرعشی در مراسم حاضر شده بود، درباره کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی گفت: آیت‌الله مرعشی «علت مُختصّه» و حاج محمود مرعشی «علت مادّی و مُبقیه» این کتابخانه بوده‌اند. در این راستا قرار است مجموعه ۶۶ جلدی فهرست مخطوطات، پنج جلد فهرست نسخه‌های عکسی و ۱۲ جلد فهرست کتاب‌های چاپی هندوستان منتشر شود. این پژوهشگر با اشاره به نگهداری دست‌خط شیخ طوسی، علامه حلی، شهید ثانی، علامه مجلسی و شیخ بهایی در این گنجینه، ارتباط کتابخانه مرعشی با مراکز علمی جهان را ستود و گفت فهرست آن را در کتابخانه مسجدالنبی مدینه و کتابخانه ملک عبدالعزیز دیده است.سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم سخنران دیگر این برنامه بود که با اشاره به شش دهه انس حدادعادل با کتاب، دامنه علائق او را در حوزه‌های فلسفه (با تمرکز بر کانت‌پژوهی)، شعر و ادبیات، زبان فارسی، ترجمه، تعلیم و تربیت، سیاست و معارف دینی برشمرد و گفت پیوند این حوزه‌ها با یکدیگر، کتابخانه‌ای جامع و گلچین‌شده را پدید آورده است.صالحی با اشاره به مسئولیت سی‌ساله حدادعادل در بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، انتخاب او را از نوع دوم سرنوشت کتابخانه‌های شخصی دانست؛ یعنی اتصال مجموعه به یک نهاد علمی موجود، چنان‌که مرحوم سید محمد مشکات کتاب‌های خود را به دانشگاه تهران اهدا کرد.ایرج فرجی نیز در این مراسم، کتابخانه حدادعادل را بر پایه چهار رکن علم کتابداری و اطلاع‌رسانی ــ مجموعه‌سازی، سازماندهی، اطلاع‌رسانی و مدیریت ــ ارزیابی کرد و گفت این مجموعه از صندوق‌خانه‌ای کوچک خانوادگی و عیدی‌های نوجوانی آغاز شد و امروز به نهادی فرهنگی با بیش از ۲۵ هزار جلد بدل شده است.وی منابع کتابخانه را در ۹ حوزه دسته‌بندی کرد: فلسفه، دین، تاریخ و جغرافیا، علوم اجتماعی، آموزش و پرورش، هنر، زبان و ادبیات فارسی، علوم محض و کاربردی، و کتاب‌های مرجع؛ و بخش ادبیات فارسی را ممتازترین بخش مجموعه خواند. این مجموعه بی نظیر است، از جمله آثار کامل آکادمی «سهیل» پاکستان، انتشارات مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن، مجموعه جهانی کتاب‌های مصور معرفی کشورها، بازچاپ ۵۰ کتاب ایران‌شناسی زیر نظر مجید رهنما و آثار ناشران بزرگ ایرانی. فرجی در پایان، تأسیس کتابخانه را به درختکاری تشبیه کرد و گفت درخت را برای سایه‌اش می‌کاریم و کتابخانه را برای روشنایی‌اش؛ روشنایی‌ای که با تقسیم شدن میان مردم از میان نمی‌رود، بلکه گسترده‌تر می‌شود.سپس حسن سید عرب عضو هیئت علمی بنیاد دایرة المعارف اسلامی گزارش رسمی روند انتقال مجموعه را ارائه کرد و گفت تحویل‌گیری از ۱۴ مردادماه با ۲۰ هزار جلد کتاب و پنج هزار نشریه آغاز شد و پس از خرید نرم‌افزار «پاسارگاد»، مهرزنی، ثبت و فهرست‌نویسی با همکاری همکاران کتابخانه بنیاد انجام گرفت.وی گفت: کتابخانه از روز شنبه هر روز از ساعت ۸ تا ۱۹ دایر خواهد بود، علاقه‌مندان می‌توانند با اسکن «رمزینه»های نصب‌شده بر دیوار تالار ثبت‌نام کنند و حدود ۸۰۰ عنوان کتاب نفیس نیز به‌صورت جداگانه به نمایش درآمده است؛ همچنین بخش‌های ویژه‌ای برای دست‌نوشته‌ها و آثار قلمی حدادعادل در نظر گرفته شده است.نظام الدین زاهدی سفیر تاجیکستان هم در این مراسم با تبریک هفته کتاب، مردم ایران‌زمین را همواره اهل کتاب، کتابدار، کتابنویس و کتابخوان خواند و حدادعادل را از ادامه‌دهندگان راستین راه بزرگان دانست.وی گفت: آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، در آستانه جشن ۳۵ سالگی استقلال این کشور، استاد حدادعادل را به دلیل سهم بزرگش در رشد علم، ادب

بازی تبلیغاتی با واژه توقیف



طی بیش از دو هفته گذشته، نام سریال «گنگستر» به شکل‌های مختلف در برخی رسانه‌ها مطرح شده است؛ یک‌بار با انتشار تصاویر، بار دیگر با موشن‌ها و حالا با خبری درباره توقیف آن. به نظر می‌رسد این پروژه، پیش از آنکه فرصت پیدا کند با خودِ اثر و کیفیت کمدی‌اش مخاطب جذب کند، وارد فضایی از تبلیغات و خبرسازی شده است؛ فضایی که این پرسش را به وجود می‌آورد آیا هدف، معرفی یک اثر تازه است یا ایجاد فشار رسانه‌ای برای تسهیل مسیر انتشار آن؟

ماجرا از جایی جدّی‌تر می‌شود که برخی رسانه‌ها مدعی شده‌اند سریال «گنگستر» قرار بوده فردا منتشر شود، اما با دستور قوه قضائیه توقیف شده و زمان انتشار آن نیز مشخص نیست. این در حالی است که پیگیری خبرنگار تسنیم از ساترا نشان می‌دهد این سریال اساساً هنوز مجوز انتشار دریافت نکرده و در مراحل اخذ مجوز قرار دارد.

به بیان روشن‌تر، وقتی یک اثر هنوز مجوز انتشار نگرفته، نمی‌توان از توقیف آن به معنای متوقف شدن انتشار یک اثر مجوزدار سخن گفت. توقیف زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که اثری مسیر قانونی انتشار را طی کرده باشد و پس از آن، به دلیل تخلف یا عمل نکردن به ضوابط و اصلاحیه‌ها، از انتشار آن جلوگیری شود. بنابراین، در شرایط فعلی، تعبیر «توقیف گنگستر» با آنچه درباره وضعیت مجوز این سریال به دست آمده، همخوانی ندارد.

به نظر می‌رسد طرح چنین اخباری در شرایطی که پروژه همچنان در مسیر دریافت مجوز است، می‌تواند به ایجاد فشار رسانه‌ای بر تنظیم‌گر و اثرگذاری بر روند بررسی آن منجر شود. اگر قرار است یک سریال با تبلیغات و اطلاع‌رسانی به مخاطب معرفی شود، این مسیر باید از طریق اعلام وضعیت واقعی اثر و طی مراحل قانونی آن پیش برود، نه با انتشار خبرهایی که هنوز پشتوانه روشنی ندارند.

توقیف‌های نمایش خانگی؛ مسئله قانون است!

در همین زمینه، برخی رسانه‌ها با اشاره به توقف انتشار بعضی سریال‌ها یا برنامه‌های در حال پخش، از آنچه «سندروم توقیف‌های بیهوده» در نمایش‌خانگی می‌نامند، انتقاد کرده‌اند. اما تعمیم این نگاه به همه موارد، بدون توجه به سازوکار نظارت و روند قانونی انتشار آثار، تحلیل دقیقی نیست .

در تلویزیون، نظارت بر تولید آثار از همان مراحل ابتدایی آغاز می‌شود و ساختارهایی مانند ناظر پخش، ناظر سریال و ناظر کیفی در روند تولید و آمادسازی برنامه‌ها حضور دارند. در نمایش‌خانگی نیز سرمایه‌گذاران و صاحبان پلتفرم‌ها طبیعتاً باید نسبت به رعایت ضوابط و الزامات قانونی آثار خود حساس باشند؛ اما آنچه از برخی اتفاقات برمی‌آید، این است که گاهی اشراف و نظارت لازم بر روند تولید و آمادسازی آثار به اندازه کافی وجود ندارد.
مسئله زمانی جدّی‌تر می‌شود که یک اثر در مسیر دریافت مجوز قرار دارد، اصلاحیه‌هایی به آن اعلام می‌شود، اما سازندگان در اجرای این اصلاحیه‌ها تعلل می‌کنند یا آنها را به شکل سلیقه‌ای پیش می‌برند. نمونه‌هایی از این وضعیت را در برخی آثار نمایش‌خانگی از جمله سریال «یل»، شاهد بوده‌ایم. در چنین شرایطی، نمی‌توان انتظار داشت که صرفاً به دلیل احتمال افزایش توجه مخاطبان پس از توقف انتشار، از برخورد قانونی با تخلف صرف‌نظر شود.

اتفاقاً هرجا بی‌قانونی یا تخلفی در روند تولید و انتشار آثار رخ می‌دهد، باید عملکرد ساترا مورد پرسش و پیگیری رسانه‌ای قرار گیرد. نظارت و اجرای قانون نباید به موضوعی سلیقه‌ای تبدیل شود و هیچ پروژه‌ای نیز نباید خود را فراتر از ضوابط بداند. از این منظر، ورود تنظیم‌گر به موارد تخلف، اگر بر مبنای ضوابط و مستندات قانونی باشد، بخشی از مسئولیت نظارتی آن است.
باید میان توقف یک اثر به دلیل تخلف از ضوابط و فضاسازی رسانه‌ای درباره پروژه‌ای که هنوز مجوز انتشار نگرفته است، تفاوت قائل شد. ماجرای «گنگستر» بیش از آنکه نمونه‌ای از توقیف یک اثر مجوزدار باشد، پرسشی درباره شیوه تبلیغات و خبرسازی پیرامون پروژه‌ای است که هنوز مراحل قانونی انتشار را پشت سر نگذاشته است. نمی‌توان با جابه‌جا کردن مفاهیم، نداشتن مجوز را به‌عنوان توقیف جا زد و از آن برای ایجاد فشار رسانه‌ای بر روند قانونی استفاده کرد.

ببینید| عملیات مخفی دشمن با استارلینک چگونه در ایران شکست خورد؟



استارلینک، سرویس اینترنت ماهواره‌ای شرکت آمریکایی اسپیس‌ایکس، به دلیل امکان دسترسی به اینترنت بدون اتکا به زیرساخت‌های مخابراتی زمینی، در سال‌های اخیر به یکی از ابزارهای مهم ارتباطی در مناطق بحرانی تبدیل شده است. این فناوری به کاربران اجازه می‌دهد حتی در شرایط قطعی اینترنت و محدودیت شبکه‌های داخلی، از طریق پایانه‌های ماهواره‌ای به اینترنت متصل شوند.

در جریان حوادث دی‌ماه 1404 نیز هم‌زمان با محدودیت گسترده اینترنت در ایران، استارلینک به یکی از مسیرهای انتقال تصاویر و اطلاعات از داخل کشور تبدیل شد. گزارش‌های رسانه‌ای بین‌المللی از تلاش ایران برای ایجاد اختلال در ارتباطات این شبکه حکایت داشتند؛ موضوعی که اهمیت مقابله فنی با این فناوری را برای نهادهای مسئول فضای مجازی کشور افزایش داد.

روایت رئیس مرکز ملی فضای مجازی از عملیات موفق ایران

سیدمحمدامین آقامیری، دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، در تشریح توانمندی‌های فنی کشور در مقابله با تهدیدات سایبری، از اجرای عملیاتی خبر داده که به گفته وی برای نخستین‌بار در جریان حوادث دی‌ماه سال گذشته به از کار افتادن پایانه‌های استارلینک منجر شده است.

وی با اشاره به اینکه رسانه‌های غربی نیز در همان مقطع از اختلال در عملکرد این پایانه‌ها گزارش داده بودند، تأکید کرد این عملیات فنی با موفقیت کامل انجام شده و تنها یکی از ابزارهای ایران برای مقابله با استارلینک است.

آقامیری همچنین تصریح کرد که کشور علاوه بر این تجربه عملیاتی، ابزارهای دیگری نیز برای مقابله با اینترنت ماهواره‌ای در اختیار دارد؛ هرچند جزئیاتی درباره ماهیت این ابزارها، گستره اجرای عملیات و فناوری‌های مورد استفاده ارائه نکرده است.

استارلینک؛ از ابزار ارتباطی تا چالش امنیت سایبری

اهمیت این موضوع از آن جهت است که اینترنت ماهواره‌ای در شرایط بحران می‌تواند نقشی فراتر از یک ابزار ارتباطی معمولی ایفا کند. امکان برقراری ارتباط مستقل از شبکه‌های زمینی، انتقال سریع تصاویر و اطلاعات و دشوارتر بودن کنترل آن از روش‌های سنتی، این فناوری را به یکی از مؤلفه‌های مهم در تحولات امنیتی و ارتباطی تبدیل کرده است.

از سوی دیگر، تجربه حوادث دی‌ماه نشان داد که رقابت بر سر کنترل جریان اطلاعات، صرفاً به محدودسازی اینترنت داخلی خلاصه نمی‌شود و مقابله با فناوری‌های ارتباطی جدید نیز به بخشی از معادلات امنیت سایبری کشورها تبدیل شده است

اعمال قانون ۳۷۳ هزار تخلف پوشش پلاک در تهران از ابتدای سال



سرهنگ علی‌اصغر شریفی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ، با اشاره به ضرورت رعایت قوانین مربوط به پلاک وسایل نقلیه اظهار کرد: پلاک، هویت وسیله نقلیه محسوب می‌شود و هرگونه تغییر، پوشاندن یا مخدوش کردن آن، علاوه بر تخلف راهنمایی و رانندگی، در مواردی جرم محسوب می‌شود.وی از اعمال قانون ۳۷۳ هزار فقره تخلف پوشش پلاک در پایتخت از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون خبر داد و افزود: از این تعداد، ۱۳۱ هزار فقره مربوط به موتورسیکلت‌ها و ۲۴۲ هزار فقره مربوط به خودروها بوده است. همچنین در مهرماه سال جاری، ۱۱ هزار فقره تخلف پوشش پلاک موتورسیکلت و ۲۰ هزار فقره تخلف پوشش پلاک خودرو ثبت و اعمال قانون شده است.رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ ادامه داد: از ابتدای سال جاری تاکنون ۴۶۰ نفر به دلیل تخلفات مربوط به پوشش و دستکاری پلاک به مراجع قضایی معرفی شده‌اند که ۱۰۳ نفر از این تعداد مربوط به مهرماه بوده‌اند.شریفی با اشاره به اقدامات پلیس برای رفع پوشش پلاک موتورسیکلت‌ها گفت: از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون، پوشش پلاک بیش از ۷۸ هزار دستگاه موتورسیکلت در محل رفع اثر شده است. در این طرح، چنانچه پوشش یا شیئی روی پلاک قرار گرفته باشد، مأموران پلیس آن را در محل برمی‌دارند و ضمن اعمال قانون، پیامک تخلف نیز همان لحظه برای مالک وسیله نقلیه ارسال می‌شود.وی با تأکید بر ابعاد اجتماعی و انتظامی تخلفات پلاک تصریح کرد: فردی که پلاک وسیله نقلیه خود را می‌پوشاند یا در آن دستکاری می‌کند، علاوه بر ارتکاب تخلف، ممکن است زمینه‌ساز وقوع جرائمی مانند سرقت شود. به همین دلیل، برخورد با این تخلفات صرفاً به اعمال جریمه محدود نمی‌شود.رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ با اشاره به کاهش پوشش پلاک در میان موتورسواران خاطرنشان کرد: خوشبختانه میزان این تخلف در میان موتورسواران کاهش یافته است که آموزش و فرهنگ‌سازی پلیس راهور در این زمینه نقش مؤثری داشته است. افرادی که مرتکب پوشش پلاک می‌شدند، در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کردند و برای آن‌ها تشریح می‌شد که این اقدام صرفاً یک تخلف ساده راهنمایی و رانندگی نیست و می‌تواند عواقب قضایی نیز به دنبال داشته باشد.شریفی افزود: آموزش، اطلاع‌رسانی و همچنین افزایش مبلغ جریمه پوشش پلاک به ۷۰۰ هزار تومان از جمله عوامل مؤثر در کاهش این تخلف در پایتخت بوده است.وی در ادامه با هشدار درباره تغییر ارقام و مشخصات پلاک وسایل نقلیه گفت: تغییر در ارقام پلاک جرم محسوب می‌شود و این تخلف از طریق دوربین‌ها نیز قابل ثبت و شناسایی است. برابر ماده ۷۲۰ قانون مجازات اسلامی، هرکس در ارقام و مشخصات پلاک وسیله نقلیه موتوری تغییر ایجاد کند، پلاک وسیله نقلیه دیگری را به آن الصاق کند یا از پلاک تقلبی استفاده کند، به حبس محکوم خواهد شد.رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ همچنین درباره مبالغ جریمه تخلفات مرتبط با پلاک اظهار کرد: نصب پلاک‌های متفرقه با تغییر استاندارد پلاک وسیله نقلیه، ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال؛ نداشتن پلاک جلو یا عقب و ناخوانا بودن پلاک، ۴ میلیون ریال؛ تغییر محل نصب پلاک وسیله نقلیه، ۹۰۰ هزار ریال و نصب نکردن پلاک با ابعاد بزرگ‌تر در قسمت عقب وسایل نقلیه سنگین باربری و مسافربری، ۹۰۰ هزار ریال جریمه دارد.وی ادامه داد: همچنین جریمه پوشاندن، دستکاری یا مخدوش کردن پلاک وسیله نقلیه و قرار دادن هرگونه شیء که مانع رؤیت پلاک شود، ۷ میلیون ریال است.شریفی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به آغاز فصل سرما و بارندگی‌ها، بر ضرورت آمادگی دستگاه‌های مسئول برای کاهش مشکلات ترافیکی در روزهای بارانی و برفی تأکید کرد و گفت: سه مجموعه پلیس راهور تهران بزرگ، معاونت حمل‌ونقل و ترافیک و خدمات شهری شهرداری تهران، اضلاع اصلی مدیریت ترافیک در این شرایط هستند و باید با همکاری یکدیگر معضلات ناشی از بارندگی و برف را به حداقل برسانند.وی افزود: با همکاری این مجموعه‌ها و مشارکت شهروندان می‌توان مشکلات روزهای بارانی و سرد سال را مدیریت کرد.رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ همچنین از شهروندان خواست خودروهای خود را برای فصل سرما آماده کنند و گفت: رانندگانی که قصد تردد در مناطق سردسیر و برفی را دارند، باید از هم‌اکنون زنجیر چرخ تهیه کنند.

همچنین لازم است از سلامت سیستم گرمایشی خودرو و برف‌پاک‌کن‌ها اطمینان حاصل کنند.



۳۶ درصد آلودگی هوای تهران سهم کامیون‌ها

سیدجعفر تشکری‌هاشمی در چهارصد و چهل و هشتمین جلسه علنی شورای شهر تهران با اشاره به آلودگی هوا، اظهار کرد: سالی نیست که به این ایام برسیم و با آلودگی هوا مواجه نشویم و صرفاً ابراز نگرانی و ناراحتی نکنیم، اما اینکه در عمل چه اقداماتی انجام شده، سؤالی است که متأسفانه برای مردم بی‌پاسخ مانده است. ما نیز احساس می‌کنیم باید بررسی کنیم عملکردی که داشته‌ایم و اقداماتی که باید انجام می‌دادیم، چقدر مؤثر بوده است؛ چه کسانی به وظایف خود عمل کرده‌اند و چه کسانی به مسئولیت‌هایشان عمل نکرده‌اند.

وی با اشاره به اظهارات روز گذشته شهردار تهران گفت: زاکانی در مصاحبه روز گذشته خود گفتند: «من مسئول فعل دیگران نیستم، مسئول افعال خودم هستم». این جمله بسیار خوبی بود که ایشان بیان کردند. من نیز به همین دلیل می‌خواهم امروز درباره آنچه به شهرداری تهران و مدیریت شهری مربوط می‌شود، تذکر بدهم. درباره وظایف دیگران فعلاً دخالتی نمی‌کنیم و اجازه می‌دهیم خود دولت در این موضوع ورود کند.

تشکری‌هاشمی با اشاره به گزارش‌های شرکت کنترل کیفیت هوا و سایر نهادهای مرتبط اظهار کرد: طبق گزارش‌های متعددی که از شرکت کنترل کیفیت هوا، سازمان هواشناسی و سایر نهادهای مرتبط دریافت کرده‌ایم و همچنین پیامکی که همین چند دقیقه پیش از سوی سازمان پیشگیری ارسال شده است، آلاینده غالب هوا، ذرات معلق کمتر از 2.5 میکرون است؛ مرگبارترین آلاینده‌ای که می‌تواند در هوا وجود داشته باشد و منشأ آن نیز عمدتاً انسانی است.وی افزود: طبق جدولی که شرکت کنترل کیفیت هوا با کمک دانشگاه علم و صنعت تهیه کرده است، سهم منابع متحرک 46.5 درصد و سهم کشاورزی 22.6 درصد اعلام شده است. به نظر من، دوستان در این جدول ذرات PM2.5 و PM10 را با یکدیگر تجمیع کرده‌اند؛ وگرنه از زمین‌های کشاورزی ما به این میزان ذرات معلق کمتر از 2.5 میکرون تولید نمی‌شود. سومین سهم مربوط به نیروگاه‌ها و چهارمین سهم نیز مربوط به صنایع است.رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران ادامه داد: در مورد نیروگاه‌ها، دولت باید پاسخگو باشد و تلاش کند این اشکال را برطرف کند؛ به‌خصوص استفاده از سوخت کثیف مازوت را کاهش دهد. همچنین صنایع نیز باید در این زمینه رعایت بیشتری داشته باشند.

وی با طرح این سؤال که منابع متحرک آلاینده هوا کدام‌اند، گفت: اگر جدول دوم را همکاران نمایش دهند، مشاهده می‌کنید که این جدول نیز از سوی شرکت کنترل کیفیت هوا ارائه شده است. اعدادی که مطرح می‌کنم، مستند به همین گزارش‌هاست تا کسی ادعا نکند که سیاه‌نمایی می‌کنیم یا بگوید با وجود زحماتی که کشیده شده، چرا این زحمات دیده نمی‌شود.

تشکری‌هاشمی افزود: اگر سهم 46.5 درصدی منابع متحرک را به 100 درصد تبدیل کنیم، سهم خودروهای سواری 28 درصد، تاکسی‌ها 6.6 درصد، موتورسیکلت‌ها 9.4 درصد و اتوبوس‌های درون‌شهری 3 درصد است. بنابراین اگر بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم و منابع خود را به بخش‌های مختلف اختصاص دهیم، با همین جدول ساده‌ای که خود شهرداری تهیه کرده است، می‌توانیم مشخص کنیم که باید به کدام بخش اولویت بیشتری بدهیم.

وی تصریح کرد: در بحث خودروهای فرسوده و خودروهای شخصی، باز هم وظیفه دولت است که برای خروج این خودروها از چرخه تردد اقدام کند، اما در مورد موتورسیکلت‌ها، ما پنج سال گذشته مصوبه‌ای در شورای شهر داشتیم که بر اساس آن باید 300 هزار موتورسیکلت در تهران برقی می‌شدند، اما این اتفاق نیفتاده است.

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران با اشاره به وضعیت تاکسی‌های پایتخت اظهار کرد: تاکسی‌های تهران که سهم 6.6 درصدی در آلودگی هوا دارند، با مشکل فرسودگی مواجه‌اند و حدود 50 هزار دستگاه از آن‌ها فرسوده شده‌اند. شورا و شهرداری به شورا قول داده بودند که 30 هزار تاکسی برقی وارد ناوگان کنند، اما در عمل فقط هزار و 700 دستگاه وارد شد؛ همان هزار و 700 دستگاه را هم دیدیم که چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

وی افزود: اینکه خودروهایی را برای کارهای نمایشی در اطراف میادین شهر مستقر کنند تا یک مراسم یا رویدادی برگزار شود که اصلاً نمی‌دانیم چیست، چه معنایی دارد؟ خودروهایی که باید به مردم خدمات‌رسانی کنند، در همه ایام و به‌خصوص در این روزها، به ابزار نمایشی و تبلیغاتی تبدیل شده‌اند و آن‌ها را دور میادین شهر چیده‌اند.تشکری‌هاشمی تأکید کرد: خواهش می‌کنم این کارهای نمایشی متوقف شود و به جای آن، برای نجات جان مردم، اقدامات اجرایی و عملیاتی انجام دهیم.وی با اشاره به وضعیت کامیون‌ها و سهم آن‌ها در آلودگی هوا خاطرنشان کرد: کامیون‌ها به‌طور کلی فراموش شده‌اند؛ در حالی که 36 درصد از آلودگی هوا مربوط به کامیون‌هاست و هیچ‌کس برای این بخش برنامه‌ای ندارد.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیرمسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



تخلف پوشش پلاک

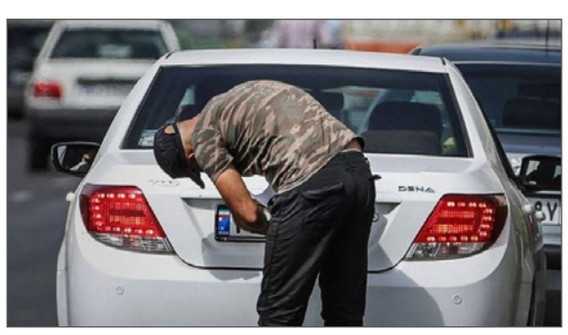
رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ از معرفی 460 متخلف پوشش و دستکاری پلاک به مراجع قضایی خبر داد.

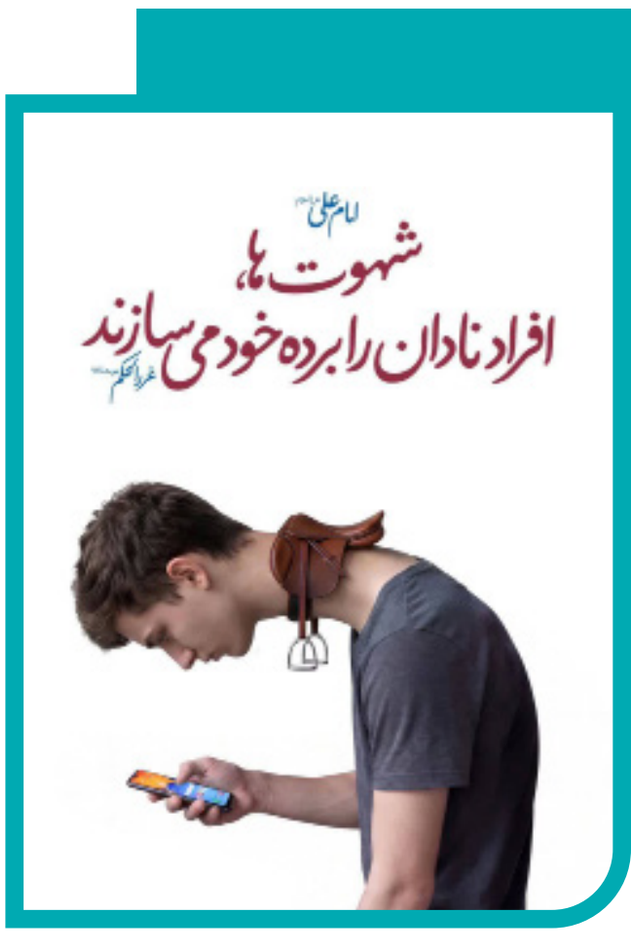
۷

بازی تبلیغاتی با واژه توقیف

خبر توقیف «گنگستر» در حالی آمده که پیگیری نشان می‌دهد این سریال هنوز مجوز انتشار نگرفته است.

۶





مصائب استقلال در لیگ برتر بوکس

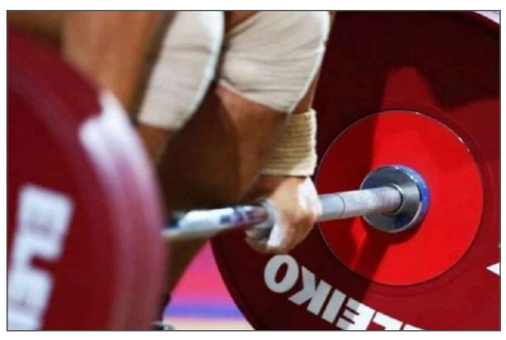
هفته سوم رقابت‌های لیگ برتر بوکس مردان از امروز به مدت سه روز در سالن بوکس شهید همت مجموعه ورزشی شهید شیرودی تهران پیگیری می‌شود. این در حالی است که مراسم وزن‌کشی مسابقات امروز برگزار و تیم استقلال در جریان این مراسم با حواشی متعددی روبه‌رو شد. ناهماهنگی یکی از اعضای کادرفنی تیم استقلال در فرآیند معرفی اسامی بوکسورها به سازمان لیگ، مشکلاتی را برای این باشگاه به وجود آورد. این اتفاق باعث شد تعدادی از بوکسورهای استقلال، با وجود امضای قرارداد رسمی، نتوانند در مراسم وزن‌کشی حضور پیدا کنند؛ موضوعی که تیم استقلال را پیش از آغاز هفته سوم رقابت‌ها با چالشی جدی مواجه کرده است.نکته قابل تأمل اینکه این مربی که گفته می‌شود در جریان مذاکرات وعده‌هایی به برخی بوکسورها داده که تاکنون محقق نشده است. از سوی دیگر، موضوع مبالغ قراردادها نیز به یکی دیگر از محورهای اختلاف و نارضایتی در این تیم تبدیل شده است.طبق اطلاعات به‌دست آمده، این مربی جوان در شرایطی قراردادی برای خود در نظر گرفته که برخی از ستاره‌های استقلال با وجود سال‌ها حضور در تیم ملی و کسب افتخارات متعدد، قراردادهایی پایین‌تر به امضا رسانده‌اند. این اختلاف در مبالغ قراردادها نیز ظاهراً به نارضایتی تعدادی از بوکسورهای مطرح این تیم دامن زده است.در همین راستا، یکی از بوکسورهای مطرح کشورمان که قراردادی بیش از ۴۰۰ میلیون تومانی با باشگاه استقلال به امضا رسانده، همچنان موفق به دریافت پیش‌پرداخت قرارداد خود نشده و از وضعیت مالی تیم گلایه‌مند است.حالا باید دید مسئولان باشگاه استقلال و مدیران تیم بوکس این باشگاه برای مدیریت حواشی به‌وجود آمده و رسیدگی به مشکلات مطرح‌شده چه اقدامی انجام خواهند داد.





دیوانه‌وارترین سال فوتبالی‌ام بود

تیم ملی فوتبال نروژ شب گذشته (سه‌شنبه) در دیدار پایانی خود در مرحله گروهی لیگ ملت‌های اروپا در خانه دانمارک به میدان رفت و در حالی که تا دقیقه ۳۷ با نتیجه ۲ بر صفر عقب بود، موفق شد با گلزنی‌های ارلینگ هالند و مارتین اودگارد به برد ۳ بر ۲ برسد و به عنوان تیم دوم گروه به مرحله یک‌چهارم نهایی این رقابت‌ها صعود کندهالند با دو گلی که در در دقایق ۳۷ و ۹۰+۶ (از روی نقطه پنالتی) زد، به رکورد ۶۸ گل‌زده گرد مولر اسطوره فوتبال آلمان رسید. هالند که در ۶۱ بازی به این تعداد گل رسیده، به نخستین بازیکن اروپایی تبدیل شد که به چنین رکوردی دست می‌یابد. گرد مولر در سال ۱۹۷۴، زمانی که برای تیم ملی آلمان بازی می‌کرد، در ۶۲ بازی به این رکورد رسیده بود.هالند ۲۶ ساله پس از این بازی در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی گفت: این یکی از دیوانه‌وارترین سال‌های فوتبالی بود که تا به حال تجربه کرده‌ام. فوق‌العاده است که می‌توانم سال را به شکلی عالی به پایان برسانم.



مسیر دشوار وزنه‌برداران برای رسیدن به المپیک

فدراسیون جهانی وزنه‌برداری تاریخ و میزبانان مسابقات قهرمانی جهان و همچنین انتخابی المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس را اعلام کرده است. قوانین مسابقات انتخابی نسبت به ادوار گذشته با سختی‌های بیشتری همراه است و اگر یک ورزشکار به‌دنبال حضور در المپیک است، باید تقریباً مدت دو سال سطح آمادگی خوبی داشته باشد.وحید ربیعی دبیر فدراسیون وزنه‌برداری دراین‌باره به خبرنگار ورزشی تسنیم گفت: ۱۰ مرحله رقابت انتخابی برای المپیک در نظر گرفته شده است که ورزشکاران باید در ۵ رویداد شرکت کنند. پس از حضور در مسابقات، میانگین رکورد مشخص می‌شود و برای آنها رتبه‌بندی در نظر گرفته می‌شود. در هر یک از اوزان شش‌گانه ۹ نفر موفق به کسب سهمیه می‌شوند که مجموع ۵۴ نفر در بخش مردان و ۵۴ نفر در بخش بانوان خواهد بود، همچنین ۶ سهمیه (۳ مرد و ۳ زن) به میزبان و ۶ سهمیه (۳ مرد و ۳ زن) در بخش یونیورسالیتی در نظر گرفته شده است

اعلام بازنشستگی دروازه‌بان پیشین استقلال؛ ممنونم فوتبال!



آنتونیو آدان که فصل گذشته در عضویت تیم فوتبال استقلال بود، امروز (چهارشنبه) با انتشار پیامی، در سن 39 سالگی به 22 سال دوران حرفه‌ای خود پایان داد. آخرین تیم این دروازه‌بان اسپانیایی که سابقه عضویت در رئال مادرید، کالیاری، رئال بتیس، اتلتیکومادرید و اسپورتینگ لیسبون را دارد، استقلال بود. او سابقه بازی در تیم‌های زیر 16 سال، زیر 17 سال، زیر 18 سال، زیر 19 سال، زیر 20 سال و زیر 21 سال اسپانیا را هم در کارنامه حرفه‌ای‌اش دارد.

در پیام خداحافظی آدان آمده است: «صداهایی وجود دارد که یک دروازه‌بان یاد می‌گیرد بدون دیدن منبع‌شان، آنها را تشخیص دهد. صدای برخورد توپ به تیر دروازه، صدای مهار توپ، شروع آواز خواندن تماشاگران، حال‌وهوای رختکن پیش از ورود به زمین و آن سکوت خاص درست پیش از سوت آغاز بازی. این صداها در تمام طول دوران حرفه‌ای‌ام همراه من بوده‌اند و بارها از خودم پرسیده‌ام؛ آن لحظه‌ای که دیگر قرار نیست هر آخر هفته این صداها را بشنوم، چه زمانی فرا می‌رسد؟ پس از تأمل بسیار، امروز می‌خواهم اعلام کنم که از فوتبال حرفه‌ای خداحافظی می‌کنم».

ادامه پیام این دروازه‌بان اسپانیایی که در دوران حرفه‌ای‌اش 11 عنوان قهرمانی را تجربه کرد، اینگونه است: «این شانس را داشتم که تمام رؤیاهای کودکی‌ام را تجربه کنم. پیروز شدم، شکست خوردم، اشک ریختم، جشن گرفتم و مهمتر از همه، آموختم. سپاس از همه کسانی که به من فرصت دادند؛ از هم‌تیمی‌هایی که در این مسیر کنارم بودند، مربیانی که به من آموزش دادند، باشگاه‌هایی که برایم حکم خانه را داشتند و خانواده‌ام که همیشه حامی‌ام بودند. فوتبال همه چیز به من بخشید؛ اگرچه شاید دیگر آن صداها را نشنوم، اما می‌دانم که برای همیشه در خاطرم حک خواهند ماند. ممنونم فوتبال؛ تجربه فوق‌العاده‌ای بود».آنتونی آدان با رئال مادرید یک قهرمانی در لالیگا، یک قهرمانی در جام حذفی اسپانیا و یک قهرمانی در سوپرجام اسپانیا را تجربه کرد. او با اتلتیکومادرید هم به قهرمانی در سوپرجام اروپا رسید.